



استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) راهکاری جهت تمرکز زدایی (مطالعه موردی: کلانشهر رشت)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

سید مهدی صباغ

دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. smsabbagh@gmail.com

آزینا رجبی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) azitarajabi@yahoo.com

چکیده

شهرستان رشت به عنوان تنها کلان شهر استان گیلان، از ابتدای شکل‌گیری شرایط منحصر به فردی را به نسبت به شهرهای پیرامونی خویش تجربه نموده و گرایش روزافزون به تمرکزگرایی داشته است. شکل‌گیری رابطه‌ای یک سو به جهت دهی اکثر جریان‌های حیاتی و کارکردی شهرهای استان به سمت شهر رشت موجبات انزوا و عدم تحرک را برای سایر نقاط سکونت گاهی استان به همراه داشته است؛ که به نظر می‌رسد با افزایش گستره‌ی فعالیت‌های شهر رشت، گسترش بیشتری خواهد یافت. این پژوهش زمینه‌های تمرکزگرایی در شهر رشت را در سه زمینه‌ی تمرکزگرایی اداری-سیاسی، تمرکزگرایی اقتصادی - خدماتی و تمرکزگرایی جمعیتی بررسی نموده است و ضمن تشریح مهم‌ترین نمودها و مصادیق تمرکزگرایی در زمینه‌های فوق؛ جهت کاهش تمرکزگرایی در شهر رشت و جهت دادن جریان‌ها به سایر نقاط و بالتبع متعادل نمودن جریان و روابط متقابل؛ از الگوی نوین استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)، بهره گرفته است، راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای با تفکر راهبردی، اجتماع محور و انعطاف پذیر خود در برقراری تعادل‌های منطقه‌ای بسیار موثر است چراکه در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری تمامی مناطق بهره جست و آن را به بهترین شکل ممکن سازمان دهی کرد.

واژگان کلیدی: استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)، تمرکزگرایی، استان گیلان، رشت

مقدمه

دیده شوند که باید به بهترین نحو در کنار هم و برای پوشش دادن نقاط ضعف هم و هم چنین برخوردار کردن مناطق در سطحی وسیع قرار گیرند؛ که این هم بویاشانی را می‌توان تنها در سایه‌ی عدم وجود تمرکزگرایی دانست. به عبارتی یکی از مهم ترین نتایج و ثمرات به کارگیری راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) برهم زنی تمرکزگرایی موجود و جایگزینی تمرکز زدایی به جای آن و بالتبع مقابله با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و... می‌باشد؛ چرا که امروزه تمرکززدایی راهبردی در جهت توسعه‌ی پایدار محسوب می‌گردد و برخلاف حالت تمرکز که قدرت و تصمیم‌گیری در مرکز یا در سطح مسئولان رده بالا، متمرکز است، تمرکززدایی امکان می‌دهد سطوح پایین به مسائل و مشکلاتی که خاص خودشان بوده و مستقیماً با آن سروکار دارند، توجه کنند (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۲، ص ۱۸). شهرستان رشت یکی از شهرهایی است که از ابتدای تشکیل تا کنون، به خصوص در چند دهه‌ی گذشته، با تمرکزگرایی در زمینه‌های مختلف از جمله: تمرکز اداری- سیاسی، اقتصادی- خدماتی و جمعیتی رو به رو بوده است که این امر موجب بروز بی عدالتی‌های شدیدی در سطح شهرستان‌های استان و فقر منطقه‌ای گردیده است. لذا این پژوهش بر آن است تا نقش و تاثیر راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای را در جلوگیری از تمرکزگرایی در شهر رشت مورد بررسی قرار دهد. در واقع استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای در صدد است تا چالش‌های پیچیده‌ی منطقه‌ای را سامان دهد که برای رسیدن به این هدف بی شک تمرکز زدایی یکی از مولفه‌های اصلی به بار نشستن کامل آن می‌باشد. این تحقیق برآن است تا وضعیت تمرکزگرایی در مرکز استان گیلان و راهکارهای کاهش آن را بررسی و شناسایی نماید.

ادبیات نظری

استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS):

"یکی از پیچیدگی‌های اساسی در کشورها تبیین مفهوم منطقه و ناحیه است چرا که این مفهوم بستر اصلی رشد و توسعه قلمداد می‌شود، پس بنابراین لزوم این تبیین از ضرورت بالایی برخوردار است. با توجه به این که این مفاهیم در مطالعات و پژوهش‌های جغرافیا، معماری، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، علوم اجتماعی، عمران منطقه‌ای و اقتصاد همواره مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این حال هنوز مقیاس واحدی در این ارتباط تعریف نشده است و

مکان‌های زیستی مختلف به اقتضای ماهیت و کارکردشان استراتژی‌های مختلفی را برای رسیدن به هدف در نظر می‌گیرند؛ هدف نهایی تمام این استراتژی‌ها رسیدن به توسعه‌ای پایدار می‌باشد. رسیدن به توسعه در ادوار مختلف همواره مد نظر دولت‌ها، حکومت‌ها و مردمانی که در قالب شهروند و شهرنشین به ایفای نقش می‌پرداخته اند؛ بوده است. حال شهرها به این دلیل که مرکز تجمع ثروت، قدرت و فناوری بوده اند، بیش از سایر عرصه‌های زیستی در جست و جوی راهبردی کارا و آینده نگرانه برای توسعه‌ی شهر بوده اند. بنابراین جهت تأمین نیازهای خدمات شهری و در نظر گرفتن عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در یک سیستم برنامه‌ریزی شهری جامع و پویا، مشخص کردن سیاست‌ها و برنامه‌ریزی توسعه‌ی شهری، هماهنگ کردن آن‌ها با سایر برنامه‌های عمرانی در سطح منطقه‌ای و کشوری و تنظیم برنامه‌ها و طرح‌ها در دوره‌های زمانی معین از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. برنامه‌ریزی شهری با آینده نگری خاصی که در جهت توسعه‌ی آینده‌ی شهر دارد بایستی با بهره‌گیری از آمار و اطلاعات و در دست داشتن نبض‌های اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی شهر به تجزیه و تحلیل مسائل شهر پرداخته و با بهره‌گیری از امکانات و یا به حداقل رسانیدن و یا کاهش محدودیت‌ها، با ارائه‌ی طرحی جامع، دقیق و گویا، با در بر داشتن کلیه امکانات رفاهی به پیشنهادات لازم بپردازد (شیعه، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲ و ۱۰۳). بدین منظور راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) یکی از الگوهایی است که در برخی از کشورهای جهان همانند کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا و دیگر مناطق نو ظهور اقتصادی جهان از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو رواج یافته است. شناخت این الگوی سیاستی و برنامه‌ریزی می‌تواند گامی کوچک و لیکن مسیری نو برای بحث تجربه و اقدام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای تلقی شود (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱-۲). در واقع با تشدید روند جهانی شدن اقتصادی و رقابت بین دولت‌ها و دولت-منطقه‌ها به تعبیر کینچی اومای مسائل منطقه‌ای پیچیده تر شده است و پایداری توسعه‌ی مناطق بیش از پیش اهمیت یافته است؛ لذا نه تنها در نظم نوین جهانی قلمروهای جغرافیایی با منطقه‌گرایی همراه شده است بلکه در نظام برنامه‌ریزی نیز نو منطقه‌گرایی^۱ شکل مسلط به خود گرفته است (هافتون و کانسل، ۱۳۸۷، ص ۳). دلیل توجه و تأکید بر راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) این است که پیوستگی و عدم تفکیک در این راهبرد باعث می‌شود تا مناطق به سان تکه‌های پازلی

منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابری و مساوات برای تمامی مناطق مطرح است. این راهبرد بر اهمیت برنامه‌ریزی هماهنگ تأکید می‌کند و در نهایت به مثابه‌ی ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود. علاوه بر این‌ها، این راهبرد یک ابتکار اجرایی نیز هست که جنبه‌های فضایی برنامه‌های توسعه منطقه‌ای را برای دولت‌ها روشن می‌سازد. همچنین متضمن جنبه‌های اقتصاد منطقه‌ای نیز است که هدفش بازسازی و متعادل کردن اقتصاد است. لذا این راهبرد توسعه‌ی پایدار در سطح مناطق را هدف گیری نموده است (AMEC, 2011) به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳، ص ۲). این رویکرد به عنوان یک سند مدون دارای عملکردی راهبردی برای برنامه‌ریزی می‌باشد، که روی مسائل مهم و کلیدی منطقه تمرکز کرده و در سطح ملی به دنبال کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای است. این راهبرد با تأکید بر دو جنبه‌ی مهم برنامه‌ریزی یعنی جنبه‌ی فضایی فعالیت و سکونت در منطقه و نیز ماهیت فعالیت‌های اقتصاد منطقه‌ای، نوعاً دارای ماهیت آمایشی است و یکی از اهداف آن یافتن مکان‌های مناسب به منظور سرمایه‌گذاری برای تسهیلات، ایجاد مشاغل و خدمات است. پیش‌بینی منابع لازم برای فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر مکان آن‌ها نتیجه‌ی دیگر این رویکرد است (Nawzad, 2011). به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳، ص ۲).

اهداف توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای

اهداف اصلی یک RDS عبارتند از: تحقق توسعه‌ی پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص. RDS به دنبال ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی است (p1, DRD, 2008). RDS سیاست‌های کلان را برای نهادهای متولی توسعه‌ی منطقه‌ای ارائه می‌نماید. هم‌چنین نقش یک بازوی کمکی برای حکومت‌های منطقه‌ای جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از توان‌های زیر مناطق^۴ و یک پارچه‌سازی اقدامات منطقه‌ای را ایفا می‌نماید. قلمرو یک برنامه راهبردی توسعه‌ی شهری (منطقه) به معنای جغرافیایی آن است؛ اغلب طرح‌های RDS به دنبال ارتقای رقابت‌پذیری پویایی فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس منطقه‌ای اند (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۳). در واقع راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای زمینه‌ساز برای برنامه‌ریزی‌های زیر فراهم می‌کند: تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی؛ محافظت و

کارشناسان هر رشته خاص از علوم، از دیدگاه‌های گوناگون منطقه را تعریف می‌کنند (آسایش، ۱۳۷۵، ص ۴۱). "منطقه در نظر (Glasson)، فضایی میان سطوح ملی و محلی است که قلمرو یا حوزه‌ای پیوسته و محدود را تشکیل می‌دهد" (لطیفی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳). "منطقه گاهی در مورد چند کشور، گاهی در مورد بخشی از یک کشور یا حتی در مورد یک بخش از یک استان یا شهرستان یا بخش یا دهستان و مانند آن به کار برده می‌شود، به همین دلیل هنوز تعریف قطعی برای منطقه وجود ندارد و مرزهای تعیین شده برای آن نیز اختیاریست" (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷). تا قبل از دهه ۱۹۷۰، نگرش به توسعه‌ی منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، بر پایه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و رشد اقتصادی منطقه استوار بود (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸، ص ۴). مطرح‌ترین این دیدگاه‌ها، تئوری اقتصادی، رشد نامتعادلی هیرشمن بود. وی با طرح استراتژی نامتعادل، اولویت دادن و انتخاب بخشی از اقتصاد، به عنوان بخش پیش‌تاز و تمرکز سرمایه در آن را عامل اصلی توسعه منطقه‌ای می‌دانست (روز بهان، ۱۳۷۹، صص ۱۸۷-۱۸۵). ایده اصلی این موضوع اولین بار با کار جانسون^۲ (۱۹۷۰) و فائل^۳ (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید (فنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶). راهبرد هایی که برای مقابله با تفرق سیاسی ارائه می‌شوند، اغلب در مفهومی کلی به (منطقه‌گرایی) در حکومت و حکمروایی معروف اند که شبکه‌سازی اجزای از هم گسیخته و مستقل و نیز برنامه‌ریزی و مدیریت مناطق کلان شهری برای کاستن از تفرق و تعدد عوامل تصمیم‌گیری و اجرایی مختلف جزئی از آن هاست (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۵، ۲ به نقل از صرافی، نجاتی، ۱۳۹۳: ۸۶۴). راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی است که در چالش برای مواجهه با مسائل جدید و پیچیده‌ی منطقه‌ای مطرح شده است. (RDS) از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو در برخی از کشورهای جهان با عنوان ابزار و چارچوب سیاستی توسعه‌ی منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱). راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای، (RDS) یک سند بالادستی کلیدی برنامه‌ریزی است که دستورالعمل‌های راهبردی که در آماده‌سازی و هماهنگی برنامه‌های توسعه، بیانیه‌های سیاست برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه شهری و منطقه‌ای به کار می‌روند را تنظیم می‌کند. این رویکرد یک هماهنگی جامع بین تمامی برنامه‌های شهری و منطقه‌ای و الگوهای توسعه در راستای توسعه بلند مدت ایجاد می‌کند. راهبرد توسعه‌ی منطقه-ای به عنوان یک ابزار ضروری برای دولت‌ها به

منطقه‌ای راهی است برای مداخله دولت محلی در توزیع منابع و فعالیت‌های متنوع بین مناطق مختلف که معمولاً روی توزیع فعالیت‌های اقتصادی تمرکز می‌کند. از نگاهی عملی، سیاست منطقه‌ای طیف وسیعی از فعالیت‌هایی است که در برگیرنده‌ی بازتوزیع فعالیت‌های اقتصادی برای توسعه یا بازسازی اقتصادی مناطق می‌شوند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاملاً با سیاست منطقه‌ای متفاوت است و فرایندی است که ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و تنگناهای مناطق، نوعی تصمیم‌سازی در سطح منطقه‌ای است. سیاست منطقه‌ای به عنوان عاملی برای تمرکز روی مسائل بین منطقه‌ای دیده شده است، درحالی که برنامه‌ریزی منطقه‌ای روی یک بازه وسیعی از مسائل در داخل یک منطقه تمرکز می‌کند. سازوکار برنامه‌ریزی منطقه‌ای معمولاً شامل تهیه و اجرای یک راهبرد توسعه منطقه‌ای می‌شود و با توجه به متفاوت بودن یک شرایط از مقتضیات دیگر، نهادها در مقام اداره کردن آن‌ها قرار می‌گیرند (پژوهان، ۱۳۹۳، ص ۳).

ضرورت‌های توجه به راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای

جنبش توسعه‌ی اجتماعی در خلال دهه‌ی ۱۹۵۰ به سرعت گسترش یافت. تا سال ۱۹۶۰ بیش از ۶۰ کشور در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین برنامه‌های توسعه‌ی جامعه‌ی ملی یا منطقه‌ای را در پیش گرفته بودند، اما تا اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ توسعه‌ی جامعه‌ای مورد بی توجهی سازمان‌های کمک به توسعه و حکومت‌های ملی قرار گرفت. از آنجا که برنامه‌های توسعه بر اساس تعریف‌های کلاسیک و اولیه‌ی آن (تعریف‌هایی که فقط بعد اقتصادی را در بر می‌گرفت) دستاوردی را که از آن‌ها انتظار می‌رفت نداشت؛ یعنی رشد فزاینده‌ی مردم. بلکه سبب تقسیم شدن جهان به دو بخش دارا و ندار شد. کم‌کم جوانب دیگر توسعه از جمله جنبه‌ی اجتماعی آن مورد توجه محافل علمی قرار گرفت (کلاتری و گنجی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶). از آنجایی که نتیجه‌ی منطقی رشد بخش نامتعادل، توسعه ناموزون جغرافیایی است، هیرشمن نیروهای تمرکز را روی هم رفته قطبش نام نهاد که بر اساس آن توسعه در مرکز، سرانجام به رشد مناطق عقب مانده کمک کرده، توسعه آنها را به دنبال خواهد داشت (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸، ص ۴). مابوگونج و میسر، نابرابری‌های منطقه‌ای را به تفاوت‌های موجود در بهره‌وری و ترتیبات نهادی نسبت داده و موضوع را در یک مدل به نام نظام توسعه منطقه‌ای شرح داده‌اند. در دیدگاه آنان توسعه نظام به توسعه مناسبات بین ارکان آن بستگی دارد و ضعف مناسبات، پخش تحولات مثبت

ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه؛ ارتقای مسکن، حمل و نقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیر ساخت‌ها، فراهم آوردن خدمات عمومی و... راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین؛ (Department for regional, 2010). به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳، ص ۲). این راهبرد را می‌توان رویکردی فراگیر با هدف تهیه یک چارچوب بهینه توسعه منطقه‌ای قلمداد نمود که هماهنگی بین بخشی ما بین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی یکی از کارکردهای اصلی آن است با این ویژگی که ضمن هماهنگی به دستور کارهای مشخصی در رابطه با هر بخش با تاکید بر جنبه‌های فضایی و مکانی می‌رسد (پژوهان، ۱۳۹۳، ص ۳)، یک RDS منسجم و اثربخش دارای یک چشم انداز فراگیر است؛ چشم انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطق‌های پویا و سرزنده با یک حس مکان قوی در جهانی گسترده تر باشد. یک منطقه سرشار از فرصت‌ها که مردم از زندگی کردن و کار کردن در آن لذت می‌برند در یک محیط سالم جایی که کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. چشم انداز فوق توسط ارزش‌های زیر پشتیبانی می‌شود:

- حمایت قوی از رشد پایدار به منظور بهره مند شدن از همه قسمت‌های منطقه.
- پشتیبانی شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای شکوفا ساختن پتانسیل آن‌ها.
- افزایش توسعه که سلامت، امنیت و شادی جوامع را بهبود می‌بخشد.
- گسترش ارتباطات به منظور بالا بردن جریان نقل و انتقالات مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات میان مکان‌ها.
- محافظت کردن و بهبود بخشیدن محیط زیست صرفاً به دلیل ارزشمند بودن ذاتی آن.
- اقدام برای کاهش کربن و کمک به سازگاری با تغییرات آب و هوایی منطقه.

در سطح منطقه ای، بخش عمومی (به نمایندگی دولت)، بخش خصوصی و توسعه دهندگان فردی بازیگران اصلی برنامه‌ریزی و توسعه به شمار می‌روند که اقدامات متعدد و متنوعی در راستای اهداف بخشی خود انجام می‌دهد که لزوماً ممکن است با همدیگر هماهنگ نیز نباشند. یکی از کارکردهای مهم راهبرد توسعه منطقه‌ای هماهنگی این سیاست‌ها و اقدامات در سطح منطقه است. اما لازم است برخی مفاهیم کلیدی در رابطه با مفاهیم هم پیوند با این رویکرد تبیین شوند؛ سیاست

مبنای تصمیم‌گیری نفعان انجام می‌شود، کلیه اقدامات به سمت اجتماع پایدار است و کیفیت زندگی را مد نظر دارد (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۶).

نمونه‌هایی از تجارب کشورهای تهیه‌کننده طرح استراتژی توسعه‌ی منطقه (RDS)

ایرلند شمالی: ایرلند شمالی در سال ۲۰۱۳ جز مناطق تهیه‌کننده RDS بوده است. در واقع برنامه‌ریزی راهبردی از سال ۱۹۹۹ در اولویت ایرلند شمالی قرار گرفت. راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای در ایرلند شمالی با شعار ساخت چشم‌انداز آتی ما، با افق زمانی ۲۰۲۵ در سال ۲۰۰۱ تهیه شد. این سند در سال ۲۰۰۸ و سپس ۲۰۱۱ بازنگری و با عنوان راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای ۲۰۳۵ با شعار ساخت آینده‌ی بهتر نهایی گردید. چشم‌اندازی که در این طرح برای ایرلند شمالی ترسیم گردیده عبارت است از: منطقه‌ای پویا، قابل زیست و سالم، با تعلق مکانی بالا در یک بستر جهانی که در آن فرصت‌های توسعه برای تمامی کنشگران فراهم است و مردم از کار و زندگی و برخورداری از کیفیت زندگی بالا لذت می‌برند و جایی است که گوناگونی اجتماعی و تنوع (اقتصادی و اجتماعی) در آن بیش از آن که عامل جدایی باشد عامل پایداری است. همچنین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS ایرلند شمالی شامل موارد: توسعه‌ی اقتصادی منطقه و زیرمناطق؛ نظم بخشی و هدایت متعادل سکونت‌گاهی، تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه، برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، مدیریت اشتغال، مسکن و زمین در مناطق، حمایت از رنسانس شهری - روستایی، مدیریت پسماند منطقه‌ای، تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای و... می‌باشند (DRD, 2013, pp 1-18).

استونی: سیاست منطقه‌ای کنونی در استونی که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده منجر به "برنامه بهبود رقابت منطقه‌ای" و به طور عمده در توسعه گردشگری در تمرکز مناطق و محلات، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از حداکثر استفاده از پتانسیل توسعه محلی می‌شود و توسعه مزیت‌های رقابتی خاص مناطق دیده شده است. منطق سیاست‌های منطقه‌ای استوایی بر این فرض مبتنی است که شرایط زیرساخت‌های فنی و اجتماعی منطقه یکی از عوامل اصلی شکل‌دادن به کیفیت زندگی هستند. در این راستا، عوامل کلیدی حمل و نقل خوب بین کار و زندگی مکان‌ها، و همچنین در دسترس بودن برخی خدمات

و پیشرفت‌ها را در اجزای نظام با مشکل روبرو می‌سازد. همچنین معتقدند که ساخت اجتماعی و توسعه منطقه‌ای ارتباط مستقیم دارند (مابوگونج و میسرا، ۱۳۶۸، صص ۹۵-۱۰۰). میردال نیز با تحلیل روند نابرابری‌های بین مناطق یک کشور و تعمیم آن به کل کشورها، به این نتیجه رسیده که وجود ناپیوستگی در ساختار اجتماعی و اقتصادی، دارای آثار بازدارنده است و برقراری ارتباط بین مناطق را آشکار می‌سازد و یک زنجیره علت و معلولی، توسعه نیافتگی فضایی را تشدید می‌کند. ولی یکپارچگی بین مناطق و بخش‌های اقتصادی، است و موجب می‌شود که فرایند (آثار انتشار) دارای توسعه در یک منطقه به مناطق دیگر سرایت کند (امکچی، ۱۳۶۴، به نقل از شیخی، شاهبوندی، ۱۳۹۱، ص ۳). هم‌چنین از اهمیت ضرورت‌های منطقه‌گرایی در نظام مدیریت فضایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ایجاد هم‌افزایی و استفاده از فرصت‌های جهانی و مزیت‌های رقابتی منطقه‌ای در مقیاس جدید سرزمینی که جایگزین دولت‌ملتها در نظام اقتصادی رقابتی جهانی شده است، ۲- تقویت و تشدید پیوندهای ارگانیک مراکز زیست و فعالیت؛ ۳- کاهش رقابت‌های ستیزه‌جویانه در تخصیص منابع محدود در منطقه؛ ۴- وجود تنوع، پیچیدگی و وسعت مناطق کلان شهری به عنوان کانون‌های پیش‌تاز توسعه‌ی منطقه‌ای و ملی همراه با تفرق مدیریتی در قلمروهای حکومتی و مدیریتی آن‌ها (صرافی، نجاتی، ۱۳۹۲، ص ۸۶۴). با توجه به توضیحاتی که در باب استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای ارائه شد، می‌توان ضرورت‌های‌های توجه به استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای که تفاوت آن را با سایر طرح‌های توسعه‌ی منطقه‌ای نیز مشخص می‌کند، را نیز بدین شرح بیان نمود:

ماهیت و بنیان RDS بر تمرکز زدایی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی و شراکت ذینفعان منطقه‌ای استوار است، در RDS چشم‌انداز، اهداف، ارزش‌ها و مأموریت سازمانی بخش‌ها و نهادها مشخص است، نه تنها مباحث فضایی را در کانون توجه خود دارد، بلکه به محتوای منطقه‌ای و بخش‌ها نیز توجه دارد، RDS بیش از آن که یک طرح با جزئیات قطعی باشد، راهنمای سیاست‌گذاری منطقه‌ای است و جزئیات را به بخش‌ها و نهادهای دخیل در حوزه‌ی برنامه‌ریزی می‌سپارد، پشتوانه‌ی قانونی، ساختار اجرایی و نیز هماهنگی بین بخشی و نهادی در RDS مورد توجه است. لیکن بر اصل شراکت و منافع کنشگران است، تلاش می‌کند تا بین برنامه‌های فضایی و بخشی در قلمرو فضایی هماهنگی لازم را به عمل آورد، فرایند محور است و تغییرات بر

نکرده بود. لذا یکی از مهم ترین وقایع سال‌های اخیر - الحاق جمهوری چک به اتحادیه اروپا - بوده است که به تاریخ سند برنامه تحت عنوان "استراتژی توسعه برای منطقه موراویا جنوبی" منجر گشت. که از (DSSMR) جدید در تجزیه و تحلیل توسعه و وضعیت هر بخش از توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه و سایر قطعات عملکردی در اسناد برنامه‌ریزی در حال حاضر پردازش از اهمیت منطقه ای، و خلاصه و ارزیابی یافته‌ها انتظار می‌رود. در واقع بخش مهمی از استراتژی برای توسعه منطقه‌ای خلاصه‌ای از چارچوب مالی برای منطقه‌ای موراویا جنوبی می‌باشد، که وظیفه اش ارائه یک نمای کلی از وضعیت مالی موجود و روند ممکن در زمینه مالی است (Garep, Vysoké, 2007, p4).

کردستان عراق: استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) در شمال عراق - هدف از ایجاد تفکر استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) در عراق این بوده است که در چند سال گذشته منطقه کردستان از توسعه قابل توجهی در بسیاری از مناطق بهره برده است که این امر نتیجه تلاش دولت برای به دست گرفتن فرصت‌های جدید برای بهبود زندگی مردم منطقه و زیرساخت‌های کردستان شده است. توسعه‌ی اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش در آمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و... نمونه هایی از آن بوده اند. در پرتو پیشرفت‌های رخ داده در منطقه‌ی کردستان، وزارت برنامه‌ریزی حکومت کردستان (MOP)، اتخاذ یک رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور افزایش فرایند توسعه را طی برنامه‌ای پنج ساله که مرجع برای تمام پروژه‌های توسعه و سرمایه گذاری آینده است را در نظر گرفت. در این طرح راهبردی، از تجربیات موفق تعدادی کشور در سراسر جهان به بهره برده شده است که نهایتاً این طرح توسعه استراتژیک را چند بعدی و مرتبط به هم معرفی نموده اند؛ که شامل تمام بخش‌های اقتصاد و نیاز به حضور اجتماعی مردم در آن لحاظ شده است. راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای در منطقه‌ی کردستان RDS به شکلی جامع و فراگیر در ۱۴ بخش شامل: اقتصاد کلان، بخش مالی، جمعیت و نیروی انسانی، آب و کشاورزی، بخش منابع، صنعت، بخش انرژی، زیرساخت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ابعاد اجتماعی، توسعه‌ی فضایی و... بوده است. (pp1-215, Kurdistan Regional Government, 2011, Ministry of Planning).

عمومی (به عنوان مثال آموزشی، اشتغال و خدمات مختلف فنی) مطرح هستند. سیاست منطقه‌ای استونیایی در ارائه پیش شرط ضروری برای توسعه اقتصادی پایدار و برای افزایش اشتغال با استفاده از پتانسیل‌های خاص منطقه هدف گذاری شده است که اجرای این امر با هدف توسعه فرهنگی، کسب و کار و گردشگری محیط زیست مشخص و قابل اطمینان در مناطق از طریق فعالیت‌های یکپارچه متنوع صورت می‌پذیرد. دستیابی به اهداف ذکر شده با فرض تکیه بر ابتکار محلی و مشارکت، توسعه و برنامه‌ریزی تلاش مصلحت بلند مدت است که باید برای کمک به حفظ پایداری بخش مکمل به با اقدامات دیگر پشتیبانی شود. وجوه ساختاری این بخش شامل: الف) آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، ب) گردشگری محلی و تفریح، ج) حمل و نقل محلی زیرساخت (د) زیرساخت‌های فنی شهرداری بوده اند. همچنین مهم ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS استونی شامل موارد: توجه به عنوان تنگناها در طرح توسعه محلی؛ به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جدا شده)؛ کمک آشکارا به توسعه اقتصادی اجتماعی (عمدتاً با مشخص کردن ارتباط با یا لینک به سایر اقدامات/ عملیات و یا برنامه‌ها)؛ پیگیری اجرای دو طرح پشتیبانی جداگانه که طرح اول را بخش‌های زیر پشتیبانی می‌کند: آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت‌های حمل و نقل محلی و زیرساخت‌های فنی شهرداری و طرح دوم گردشگری محلی و تفریحی و استفاده مجدد از املاک و سایت‌های نظامی و صنعتی قدیمی را پشتیبانی می‌کند (29-27, pp, 2007, DEIA).

موراویا جنوبی: استراتژی توسعه برای منطقه موراویا جنوبی (DSSMR) یک سند برنامه‌ریزی است که رویکرد آن به سمت کسب حمایت برای توسعه منطقه برای یک افق زمانی طولانی تر می‌باشد. اهداف استراتژیک آن توسعه منطقه را به عنوان یک کل و سایر قطعات عملکردی آن و اقدامات مهم که باید به تحقق اهداف منجر شود را مشخص می‌کند. به این دلیل که DSSMR در سال ۲۰۰۷ نقطه شروعی برای به روز رسانی اسناد برنامه برای افراد دیگر در منطقه بوده است، چارچوب اساسی برای به روز رسانی پروژه برنامه توسعه منطقه جنوبی موراویا گشت. می‌توان گفت سند برنامه اصلی تحت عنوان «استراتژی توسعه برای منطقه برنو» در سال ۱۹۹۹ نوشته شده بود، که تا آن زمان ایجاد نشده بود و سازمان‌های منطقه‌ای خود را هنوز انتخاب

در مجموعه‌های پیچیده‌ای از نهادهای عمومی و خصوصی است (اسپندی، ۱۳۷۸، ص ۸).

تمرکز سازمانی: زمانی که مرکز ثقل تصمیم‌گیری در قسمت بالای سلسله مراتب سازمان قرار دارد تمرکز سازمانی رخ داده است. به عبارت دیگر اکثر تصمیمات توسط رئیس و معاونان اتخاذ می‌گردد (ياسوری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰). این نوع برنامه‌ریزی ناشی از استقرار مراکز قدرت سیاسی، اداری و نهادهای اصلی مدیریت و تصمیم‌گیری در یک یا چند مرکز اصلی است که حرکت را از بالا به پایین هدایت می‌نماید. بنابر این خطوط کلی در سطح کمیته‌ها و کیفیت‌ها در سطح بالا تعیین و برای اجرا به مناطق زیر دست ابلاغ می‌گردد. در سازمان‌های متمرکز، به طوری که از اسم آن مفهوم است دستگاه مدیریت مرکزی بوده و کلیه تصمیمات، خط مشی و برنامه‌های سازمان در یک اتخاذ و تنظیم می‌گردد، سپس جهت اجرا به شعبات تابعه ابلاغ می‌شوند. به عبارت دیگر، در سیستم متمرکز قدرت تصمیم‌گیری در راس مدیریت جایگزین است. قدرت روز افزون این مراکز باعث می‌شود که به تدریج نیروهای پویا از سطح کشور به سمت این گونه مراکز قدرت و تصمیم‌گیری کشیده شوند. که از یک طرف باعث توانمندی بیشتر این مراکز و از طرف دیگر باعث ایستایی و توقف سایر نواحی کشور شود. بنابر این تمرکز و تراکم علیرغم ایجاد رونق اقتصادی اثرات زیان باری به شرح ذیل خواهند داشت:

۱) جذب قسمت اعظم اعتبارات ملی در مرکز و بی بهره ماندن و یا کاهش زیاد اعتبارات و منابع در سایر مناطق کشور.

۲) افزایش و سرعت مهاجرت از کلیه نقاط به مرکز و تخلیه مناطق کشور از نیروی انسانی فعال.

۳) به وجود آمدن مشکلات عدیده در مرکز به دلیل عدم تطبیق مهاجرین با شرایط اقتصادی، اجتماعی در مرکز و به وجود آمدن مشاغل کاذب، مشکلات اکولوژیکی شهری، حاشیه نشینی و دیگر مشکلات شهری.

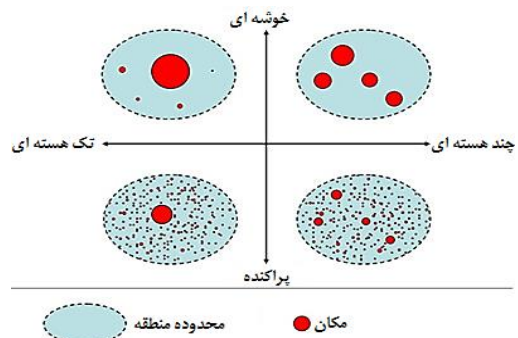
۴) به وجود آمدن سیستم بوروکراسی در مرکز، عدم کارایی و پویایی و بالندگی نیروی انسانی که نهایتاً باعث کارایی نظام مدیریتی و اجرایی کشور می‌شود (مومنی، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

ویژگی‌های نظام متمرکز را به طور اختصاصی می‌توان در عناوین ذیل مطرح نمود:

۱) دولت مرکزی تنها مقامی است که صلاحیت وضع قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها را دارد. و سیاست‌ها و

تمرکزگرایی

فضاهای جغرافیایی به عنوان محصول نهایی و عینیت عناصر سه‌گانه جمعیت، فعالیت و پهنه سرزمین است. بر این اساس ساختار فضایی را می‌توان نحوه و شکل چینش نقاط سکونتگاهی و نیز مراکز فعالیتی در پهنه سرزمین دانست.



شکل ۱: ساختار فضایی منطقه
ماخذ: Meijers & Burger, 2010

تمرکز^۵ نظام و شیوه‌ای است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امر عمومی (ملی و محلی) توسط مرکز سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت قرار دارد، اتخاذ و به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در این حالت قدرت و اختیار اداره و اجرای امور نیز کاملاً در سازمان‌های مرکزی تجمع یافته است. تمرکزگرایی یکی از صور اعمال مدیریت است که طی آن تمامی اختیارات از تصمیم‌گیری تا برنامه‌ریزی و اجرا در یک دستگاه دیوان سالاری متمرکز می‌شود (ياسوری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹). یکی از تعاریف جامع و مانع و در عین حال موجز از تمرکزگرایی را در بیان دیوید رابرتسون می‌یابیم: "تمرکزگرایی مبین تمرکز حکومت و اقتدار سیاسی در پایتخت و در سطح ملی، در برابر توزیع قدرت‌ها و مسئولیت‌ها میان مراجع ملی، منطقه‌ای و محلی است" (مدیر شانه چی، ۱۳۷۹، ص ۳۶). تمرکز در ابعاد گوناگونی تعریف گردیده است که به شرح ذیل می‌باشد:

تمرکز سیاسی: انباشت سیاسی و مدیریتی جامعه از خلال یک دستگاه عقلایی شده به نام دولت است.

تمرکز اقتصادی: انباشت ثروت و سرمایه‌های تولیدی و انسانی در یک نظام سامان یافته‌ی دولتی، خصوصی یا ترکیبی از این دو است.

تمرکز اجتماعی: انباشت امتیازات و امکانات اجتماعی با فراوانی هر چه بیشتر و با هزینه هر چه کمتر

- توسعه را که برای تحقق رشد همراه با برابری طراحی شده اند به تعویق انداخته است.
- تمرکزگرایی با کم کردن حق مردم برای شناخت مشکلات و طرح خواست‌های خود به سازمان‌های دولتی ذی ربط، وحدت ملی و مشروعیت سیاسی دولت را کاهش می‌دهد.
- تمرکزگرایی باعث کاهش هماهنگی موثرتر برنامه‌ریزی و اجرا در سطح محلی می‌شود (استان‌ها، ناحیه‌ها و زیر ناحیه‌ها مبنای جغرافیایی را برای هماهنگی و یکپارچگی سازی فعالیت‌های توسعه به وجود می‌آورند).
- تمرکزگرایی، با کاهش نظارت‌های به موقع و با کاهش زمینه‌ی ارزشیابی طرح‌ها توسط افرادی ذی نفع، می‌تواند دسترسی به تسهیلات و خدمات دولتی را کاهش دهد.
- تمرکزگرایی، انعطاف کارگزاری‌های محلی، کارکنان میدانی و رهبران محلی را برای رسیدگی به مشکلات خاص یک ناحیه یا منطقه کاهش داده و نوآوری‌های اداری در داخل یک منطقه و تشویق ابتکارات مقامات محلی و رهبران سیاسی را کاهش می‌دهد.
- اینکه سطوح پایین تر بعدی برای توسعه برنامه‌ریزی و مدیریت، مسئولیت بیشتری را بپذیرند.
- تمرکزگرایی، برنامه‌ریزی را مانع می‌شود که به سطوح منطقه‌ای و محلی تقسیم شود و ابزاری فراهم کند که به وسیله‌ی آن بتوان فعالیت‌های مختلف توسعه را در سطوح آمایشی گوناگون به طور موثر تری با یکدیگر هماهنگ کرد.
- تمرکزگرایی نفوذ و انتشار بیشتر سیاست‌های توسعه را به درون مناطق دورافتاده کمتر می‌کند.
- تمرکزگرایی به توسعه مناطق پیرامون کمک نمی‌کند و رویکرد توسعه دوگانه را در کشورهای در حال توسعه گسترش می‌دهد.
- در نظام متمرکز، مردم محلی به انتخاب اولویت‌ها نمی‌پردازد و تخصیص بهینه و کارآمد در مورد منابع در مرکز صورت می‌گیرد.
- نظام اداره امور متمرکز، در کشورهای متشکل از نژادها و مذاهب و فرهنگ‌ها مختلف با شرایط اقتصادی و جوی متفاوت، نظام اداره خوبی نیست (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۳۹-۴۱).

پیشینه‌های پژوهش

- پارسایی مقدم (۱۳۹۳) در پایان نامه‌ای تحت عنوان "تدوین الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) شهرستان همدان همدان نمونه موردی: شهرستان همدان"

- اوامر آن برای کارکنان و حکومت‌های محلی لازم الاجراست.
- ۲) حق تشکیل سازمان‌های اداری و استخدامی و برکناری ماموران دولت با حکومت مرکزی است.
- ۳) بودجه کشور توسط حکومت مرکزی تنظیم می‌گردد و بررسی حساب درآمد و هزینه دستگاه‌ها در مرکز به عمل می‌آید.
- ۴) سلسله مراتب اداری به شدت رعایت می‌شود. رعایت این مراتب معمولاً از سطح روستاها آغاز و به حکومت مرکزی (مستقر در پایتخت) منتهی می‌شود.
- ۵) شخصیت حقوقی دولت به صورت متمرکز است (طاهری، ۱۳۷۸، صص ۱۰۱-۱۰۰).
- ۶) شکل‌گیری احساس بی‌ارادگی و ابزاری در مدیران و کادرهای رده پایین و عدم تقویت روحیه‌ی ابداع در آنان.
- ۷) شکل‌گیری خصلت ناپسند نظیر تملق در مردم و کادرهای اداری رده پایین نسبت به دولت و رده‌های بالاتر.
- ۸) بالا بودن هزینه‌های عمومی اداره امور و متقابلاً تضعیف قوه‌ی ملی.
- ۹) تخصیص شدن و دقت زیاد در امور
- ۱۰) توسعه‌ی بروکراسی شدید و تاخیر در پیشرفت امور ملی و محلی به دلیل گسترش وسیع سازمانی
- ۱۱) پیشگیری از بی‌عدالتی اجتماعی در سطح ملی و تضمین بیشتر عدالت برای همه افراد جامعه (نبوی، ۱۳۵۶، ص ۴۲).

پیامدهای تمرکزگرایی

- این باور که تمرکز حقیقتاً در تمامی موارد وحدت ملی، وحدت سیاسی، کارایی اجرایی و توسعه‌ی اقتصادی را پدید آورده است، واقع‌گرایانه نیست. تمرکزگرایی، پیامدهای زیادی را به دنبال داشته است که موید انتقال بیشتر مسئولیت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه به مقامات منطقه‌ای، استانداری‌ها، حکومت‌های محلی، کارگزاری‌های میدانی و شرکت‌های عمومی است. در ادامه به پیامدهایی که در اثر تمرکزگرایی به وجود می‌آید اشاره می‌گردد:
- ایجاد نظام متمرکز، کنترل قدرت ملی را کاهش می‌دهد.
- تمرکزگرایی باعث افزایش تشریفات اداری و گرفتاری‌های ناشی از روش‌های دیوانسالارانه می‌شود.
- تمرکزگرایی با نادیده گرفتن امکانات اجرایی و اداری واحدهای منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای و قدرت مقامات محلی و رهبران سیاسی برای شناسایی مشکلات و اولویت‌های توسعه، تشکیل و اجرای سیاست‌های

- یاسوری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی راهکارهای تمرکز زدایی در ایران - تهران (قبل از انقلاب اسلامی تا کنون)" معتقدند امروزه یکی از بهترین راهبردهای مطرح در زمینه‌ی کاهش مشکلات پایتخت‌های متمرکز و تعدیل نابرابری‌ها، تمرکز زدایی است و برخلاف حالت تمرکز که قدرت و تصمیم‌گیری در مرکز یا در سطح مسئولان رده بالا، متمرکز است، تمرکز زدایی امکان می‌دهد سطوح پایین به مشکلاتی که مستقیماً با آن سرو کار دارد، توجه کند. در مقاله‌ی فوق در راستای بررسی راهکارهای ارائه شده در زمینه‌ی اجرای تمرکز زدایی در تهران قبل و بعد از انقلاب؛ بیان شده است که برخلاف اتخاذ سیاست‌های تمرکززدایی از جمله عدم استقرار صنایع، انتقال صنایع از تهران، انتقال کاربری‌های فراشهری از تهران و جز آن در اغلب برنامه‌های توسعه موفق نبوده و تمرکزگرایی در تهران تشدید شده و واقعیت‌ها مبین وجود تمرکز فعالیت، خدمات و مراکز تصمیم‌گیری در تهران است (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

- حیدری (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل ابعاد کالبدی- فضایی تمرکزگرایی در نظام شهری ایران" معتقد است: درحالی که در اغلب برنامه‌های ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ایران، کاهش سرعت رشد مادر شهرها به عنوان عاملی مهم در توازن فعالیت‌ها و جمعیت در نظر گرفته شده است، بررسی نظام شهری ایران در دهه‌های اخیر گرایش به تمرکز و استقرار جمعیت در پایتخت و شهرهای بزرگ را به وضوح نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۵ شش مادر شهر ایران ۱۵ میلیون نفر و یا به عبارتی ۳۲ درصد جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده اند. همچنین ۷ شهر بین ۵۰۰۰۰۰ تا یک میلیون نفر جمعیت در کشور وجود داشته که اگر جمعیت آن‌ها را به جمعیت مادر شهرها اضافه کنیم مجموعاً بالغ بر ۲۰ میلیون نفر و به عبارتی ۴۳ درصد جمعیت شهری کشور را در بر می‌گیرند که موجب رخدادها و مشکلات فراوانی شده اند. فرایند رشد شهری و تمرکزگرایی در نظام شهری ایران ضمن برهم زدن توازن جمعیت بین سکونتگاه‌ها، باعث آلودگی‌های زیست محیطی، تخریب باغات و اراضی کشاورزی، رشد حاشیه نشینی و کمبود سرانه فضاهای عمومی و خدماتی در شهرها شده است (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۸۳).

توسعه منطقه‌ای را زمانی بیشتر ثمربخش می‌داند که در قالب «فرایندی استراتژیک» هدایت شوند. در این میان سند راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) ابزاری نوین و کارآمد برای دستیابی به توسعه پایدار مناطق می‌باشد. که در این پژوهش با استفاده از ابزار RDS، الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای شهرستان همدان تدوین گردیده است. بدین منظور تحلیل‌ها و بررسی‌های لازم در قالب جدول سوات ارائه شده است. در آخر با استفاده از مدل ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) به اولویت‌های راهبردی توسعه منطقه اشاره گردیده است که یافته‌ها و نتایج حاکی از آن هستند که شهرستان همدان با پدیده مهاجر فرستی شدیدی روبروست. همچنین شهر همدان که مرکز شهرستان و استان می‌باشد، با جذب ناعادلانه سرمایه و فرصت‌ها در مقیاس منطقه، موجب انزوای سایر نواحی و به دنبال آن خروج نیروی انسانی و مهاجرت ساکنین به مناطق اطراف شده است (پارسایی مقدم، ۱۳۹۳، ص ۱).

- پژوهان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه‌ی منطقه‌ای (RNS)؛ مقدمه‌ای بر ادغام یک دستور العمل توسعه‌ای در یک پارادایم نظری" بیان می‌دارد که امروزه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به دلایل مختلفی از هر دو سوی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه ویژه قرار گرفته است. با این تفاوت که در کشورهای پیشرفته نظریه سازی‌های متعددی برای رسیدن به نظریات پایه توسعه منطقه‌ای انجام شده که ماحصل آن مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری و شالوده‌های فکری منسجم در خصوص توسعه منطقه‌ای است که دو مورد از منسجم ترین این تلاش‌ها راهبرد توسعه منطقه‌ای و راهبرد شبکه (RNS) است. ضرورت پرداختن به چنین موضوعی از این مساله ناشی می‌شود که با تدوین رهیافتی جدید که برآیند یک راه حل عملی و یک پارادایم نظری است، می‌توان به رویکردی پایه برای بهبود فرایند و مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای دست یافت. نتایج مقاله‌ی فوق نشان می‌دهد که راهبرد توسعه منطقه‌ای (RNS) و راهبرد شبکه منطقه‌ای (RNS) دارای وجوه اشتراک زیادی هستند که می‌توان با ترکیب اولی، به عنوان یک دستورالعمل درازمدت توسعه ای، با دومی، به عنوان نظریه پایه توسعه منطقه ای، به رهیافت جدیدی در مورد توسعه منطقه‌ای دست یافت (پژوهان، ۱۳۹۳، صص ۱-۱۰).

رشد فیزیکی ناموزون و بی قواره شهر و تشدید پدیده‌ی اسکان غیر رسمی در برخی از نقاط شهر سنندج به ویژه در قسمت‌های شمالی شهر گردیده است و همچنین بیانگر توزیع نابرابر تعدادی از فعالیت‌ها و خدمات شهری در بین نواحی مختلف شهر است (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۱۵۲-۱۵۱).

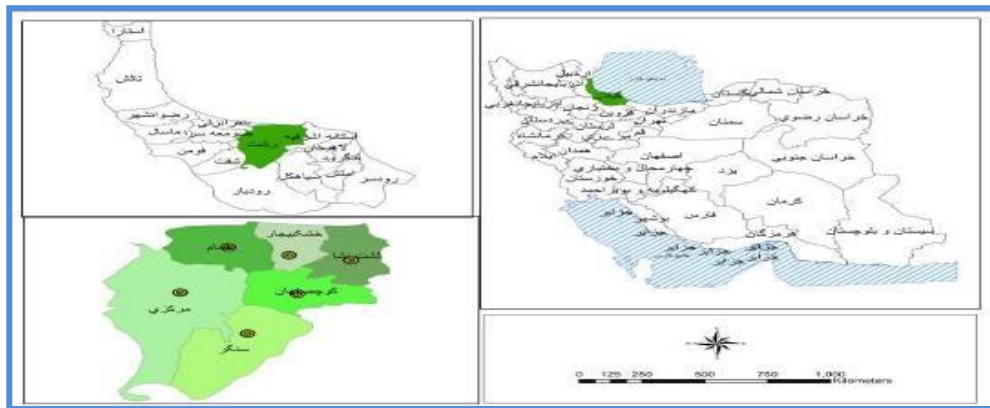
- نیل (۲۰۰۵) راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)، را یکی از چارچوب‌های برنامه‌ریزی با رویکرد استراتژیک می‌داند که در سال‌های اخیر در بخش‌های مختلفی از کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا مورد استفاده قرار گرفته است. وی با استناد به مطالعات موردی، طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های خوبی که بر پایه و اساس این دستور العمل به دست آمده اند را نام می‌برد. بدین ترتیب عناصر حیاتی یک RDS خوب را در این موارد می‌داند: سازمانی که زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن جداسازی و تفکیک شده باشند، یک چشم انداز که به طور گسترده‌ای برای توسعه آینده مشترکی برای منطقه ایجاد کرده است؛ در طول دوره‌ی تدوین، این استراتژی در شیوه‌ای آزاد و مولد سهامداران را درگیر می‌کند، ارتباط پیام‌های کلیدی آن به وضوح به انواع مخاطبان منتقل می‌شود؛ شناسایی مکانیسم‌های روشن برای انتقال، شامل مراحل و توالی سرمایه‌گذاری‌های کلیدی و اقدامات و نهایتاً یک چارچوب ساده اما موثر برای نظارت برقرار می‌کند (Neil, 2005, p14).

محدوده و قلمرو مورد مطالعه

شهرستان رشت که در این تحقیق به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب گردیده است، مرکز استان گیلان و با جمعیت حدود ۹۲۰ هزار نفر بیش از ۳۶ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. این شهرستان رشت دارای ۶ بخش؛ (مرکزی، خممام، خشکبیجار، سنگر، کوچصفهان و لشت‌نشاء)، ۶ نقطه شهری، ۱۸ دهستان و ۲۹۶ آبادی می‌باشد (نقشه شماره ۱).

- محمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) چارچوب سیاستی برای توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای" راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) راه و سند و چارچوب سیاستی بلند مدت برای مدیریت و هماهنگی توسعه‌ی منطقه‌ای معرفی نموده است. همچنین بیان شده است؛ در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری‌های منطقه‌ای، جهت برقراری تعادل‌های منطقه‌ای استفاده شود. این پژوهش تنها منابع و اقدامات دولتی را برای حل مسائل و چالش‌های منطقه‌ای کافی نمی‌داند و به دنبال روش‌هایی جهت ارتقای رقابت پذیری مناطق است. چرا که راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) از تمامی روش‌هایی که توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای را تسهیل می‌کنند استفاده می‌کند. محمدی معتقد است، از ویژگی‌های این الگو تفکر راهبردی، اجتماع پذیری و نیز انعطاف پذیری در کل فرایند می‌باشد که با توجه به نیاز کشور ایران برای اصلاح رویکرد، سیاست، ساختار، فرایند و ابزارهای توسعه‌ی منطقه‌ای، نتایج و تجارب استفاده از این الگو می‌تواند راهگشا باشد (محمدی، ۱۳۹۲، صص ۹-۱).

- قالیباف و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "تمرکزگرایی فضایی و اثرات آن بر گسترش فیزیکی و ساختار فضایی شهر (مطالعه‌ی موردی: شهر سنندج)" بیان داشته اند که شهر سنندج از جمله شهرهایی است که از روند تمرکزگرایی فضایی به دور نبوده است و طی دهه‌های گذشته تحت تاثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و غیر با تحولات فضایی زیادی روبه رو بوده است. در این پژوهش که با استفاده از مدل‌های آنترپوی شانون، شاخص ویلیامسون، چگونگی و میزان تمرکز فضایی جمعیت و فعالیت‌ها و اثرات فضایی آن در شهر سنندج را مورد بررسی قرار داده است، نشان داده است که تمرکز نسبتاً بالای زیرساخت‌های اداری، سیاسی، اقتصادی و خدماتی در شهر سنندج و نواحی پیرامونی آن منجر به تمرکز جمعیت و به دنبال آن اثرات سو فضایی از قبیل



نقشه ۱: موقعیت قرارگیری شهرستان رشت در استان

روش تحقیق

همراه ساخت و گسترش فضایی و کالبدی آن را در طی زمان رقم زد (فومنی، ۱۳۴۹، ص ۱۷۸). نقش عوامل سیاسی در سطح بین‌المللی نیز در رشد و گسترش شهر رشت انکار ناپذیر است. مهمترین عامل سیاسی اثرگذار در این زمینه نفوذ روس‌ها در گیلان برای نشان دادن سلطه و حضور در فلات مرکزی ایران، جهت رقابت با دول اروپایی، از جمله انگلستان بود. آنان برای حضور و تثبیت خود به تقویت مهمترین محور ارتباطی با فلات مرکزی ایران، انزلی، رشت، قزوین و تهران پرداختند. توجه روس‌ها به این محور به مرکزیت رشت، دولت مردان صفویه و قاجاریه را بر آن داشت که برای مقابله با نفوذ و سلطه خارجی، حضور فعال تری در گیلان و از جمله شهر رشت داشته باشند. در نتیجه، توجه دو جانبه نیروهای خارجی مانند روسیه و انگلستان و حکومت‌های مرکزی ایران، به طور نسبی موجب تقویت و گسترش این شهر شد (سپردوست، ۱۳۸۴، ص ۶۹). در سطح منطقه‌ای جذب مازاد مناطق پیرامونی و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در شهر رشت، با موقعیت استقرار آن ارتباط بسیار نزدیکی داشته است. زیرا رشت در مسیر ارتباطی دو حکومت محلی قدرتمند لاهیجان در شرق و فومن در غرب گیلان قرار داشت و نقطه پیوند و محل گذر جریان کالا و مسافر در سطح استان بود (عظیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). به طور کلی دلایل مزیت و برتری شهرستان رشت شامل موارد ذیل می‌باشد:

- مرکزیت اداری-سیاسی، اقتصادی و خدماتی در استان و برخورداری از موقعیت میان راهی مناسب
- نزدیک بودن به دریای خزر و منطقه آزاد انزلی در نتیجه موقعیت مناسب آن برای ارتباط با خارج
- بالا بودن توان طبیعی از نظر تولیدات کشاورزی و جاذبه‌های گردشگری
- عدم وجود عوارض توپوگرافی بازدارنده

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. جست و جوی مطالب در زمینه‌ی علل و زمینه‌های تمرکزگرایی شدید در شهرستان رشت و لزوم به کار گیری راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) و همچنین ابزار اجرایی آن با روش کتابخانه‌ای - اسنادی و تحلیل منابع موجود و تجارب سایر کشورها در مورد استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) بوده است.

یافته‌های پژوهش

مرکزیت شهر رشت در استان

انتخاب رشت به عنوان مرکز گیلان، به علت موقعیت مکانی ویژه‌ی آن بود. شهر کنونی رشت، در ادوار گذشته، روستائی بین دو منطقه فومن و لاهیجان، و محل توقف کاروان‌های عبوری بوده است. در قرن دهم هجری، شاه عباس پس از شکست خان احمدخان، به لاهیجان وارد شد و پس از برانداختن دودمان‌های نیمه مستقل گیلان، روستاهای دو سوی سفید رود (بیه پس و بیه پیش) از رونق افتاد و رشت به عنوان مرکز ایالات گیلان انتخاب گردید (مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۶، صص ۳-۲).

زمانی که در سال ۱۰۰۴ ه. ق شهر رشت به فرمان شاه عباس صفوی مرکز استان گیلان شد، تحولاتی شگرفی به تدریج در آن ظاهر شد. مرکزیت جغرافیایی و سیاسی شهر رشت نسبت به سایر شهرهای دیگر استان به خصوص لاهیجان و فومن شرایط ممتازی را فراهم آورد. قرار گرفتن شهر در محل تقاطع راه‌های ارتباطی و تجارت پرسود ابریشم از یک طرف و اهمیت یافتن نقش‌های خدماتی، سیاسی و اداری از طرف دیگر، زیربنای زندگی را در آن، دگرگون ساخته و عملکرد صرفا کشاورزی آن را با عملکردهای تجاری و بازرگانی

قرار گرفتن در مسیر فراقاره‌ای کریدورهای بین‌المللی حمل و نقل آزاد و وجود تنها منطقه آزاد تجاری - صنعتی شمال کشور (بندر انزلی).

بررسی زمینه‌های تمرکزگرایی در شهر رشت:

کلان شهر رشت به عنوان مهم‌ترین کلان شهر ناحیه‌ای شمال کشور، به یکی از کانون‌های اصلی تمرکز سرمایه، جمعیت، خدمات، فعالیت‌های اداری - سیاسی و غیره گردیده است. این تراکم و تمرکز علاوه بر بروز ناهماهنگی و ناکارایی در سایر شهرهای مرتبط با رشت و وابستگی شهرهای اطراف به شهر رشت؛ انسجام و تحرک و پویایی را از شهرهای کوچک، متوسط و میانی اطراف خود ربوده است و هم چنین به دلیل ضرورت خدمات رسانی به مجموعه‌ی وسیعی از سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی، کارکرد مطلوبی را ارائه نداده است. به طور کلی تمرکزگرایی در شهرستان رشت را می‌توان از جنبه‌های تمرکز اداری - سیاسی، تمرکز اقتصادی - خدماتی و بالتبع تمرکز جمعیتی بررسی نمود:

۱- تمرکز اداری - سیاسی در شهر رشت

مطالعات تاریخی شهر رشت نشان می‌دهد که این ناحیه از دوران صفویه و پس از استقرار دارالحکومه در آن روی به رونق نهاد و رفته رفته از حالت روستا بیرون آمد و به تدریج شکل شهر متمرکز به خود گرفت، بالطبع جمعیت از این تغییرات اجتماعی تاثیر پذیرفته است و مردم روستاهای اطراف از همان اوان سعی داشتند به نوعی فاصله‌ی مکانی خود را با شهر کم کنند و به مهاجرت دست بزنند. بسیاری از شهرهای گیلان از جمله رشت و روستاهای رشد یافته‌ای هستند که به مرور زمان وسعت و گسترش یافته و به شهر تبدیل گردیده اند. رشت در سال ۱۲۸۵ خورشیدی که قانون ایالت و ولایت به تصویب رسید از توابع ولایت گیلان بوده که با ارتقا سطح ولایت گیلان به ایالت، شهر رشت مرکز ایالت گیلان گردید. با تغییر قانون و تبدیل ایالت و ولادت به استان و شهرستان و تصویب قانون تقسیمات کشوری در آبان ماه سال ۱۳۱۶، شهرستان رشت که دربرگیرنده تمامی مناطق استان گیلان به جز آستارا بود در تابعیت استان شمال واقع شده و با اصلاح قانون در همین سال شهرستانهای رشت، زنجان، قزوین، ساوه، سلطان آباد و شهسوار استان یکم را تشکیل دادند. شهرستان رشت متشکل از بخش‌های رشت، صومعه سرا، رودبار، لاهیجان، بندرپهلوی، کوچصفهان، خمام و لنگرود، بوده و با انتزاع بخش شفارود از استان سوم و الحاق آن به

شهرستان رشت در سال ۱۳۱۷، تعداد بخشهای شهرستان رشت به ۹ بخش رسید. در ۱۴ فروردین ماه سال ۱۳۲۰، بخش لنگرود از شهرستان رشت منتزع شد و به شهرستان شهسوار ملحق گردید. در آذر ماه همان سال بخش مذکور، بار دیگر از شهرستان شهسوار منتزع شد. در سال ۱۳۶۶ و اجرای ماده ۴ قانون تعارف و طوابط تقسیمات کشوری شهرستان رشت به ۱۸ دهستان و ۳۱۶ روستا تقسیم شد (مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۶، ص ۲). تاریخ تاسیس شهرداری رشت به صورت رسمی مربوط به سال ۱۲۹۸ خورشیدی می‌باشد (سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۷۲، ص ۲۱). در حال حاضر مساحت شهر ۱۴۲۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۹۱۸، ۴۴۵ نفر است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). بدین ترتیب می‌توان رشت را شهری با تراکم جمعیت و ساخت و ساز بسیار بالا به حساب آورد. طبق تقسیمات سیاسی صورت گرفته در شهرستان رشت در سال ۱۳۴۵، شهرستان رشت دارای ۱ شهر، ۳ بخش به نام‌های حومه، خمام و لشت نشاء و ۱۲ دهستان بوده است. بر اساس آخرین اطلاعات در باره تقسیمات سیاسی شهرستان رشت در سال ۱۳۹۰ است که در این سال تعداد دهستان‌ها و شهرها تغییری صورت نگرفت، اما تعداد بخش ۶ بخش افزایش یافت. به طور کلی از آن جایی که یکی از مهمترین عناصر اثرگذار بر روی هویت شهرها، ادارات و سازمان‌های دولتی و عمومی است و در مجموع مهمترین عنصر هویت بخش شهرها می‌باشند. در شهر رشت نیز مرکز شهرداری، اداره پست و قبلا کاخ استانداری در میدان شهرداری و اطراف آن و کاربری‌های خاص خیابان سعدی به دلیل وجود ساختمان کنسول گری‌ها در آن درگذشته و در حال حاضر نیز علاوه بر حفظ کاربری‌های فوق استقرار کاربری‌های دیگر چون ساختمان مخابرات در مجاورت ساختمان پست، استقرار ساختمان نظامی و انتظامی و بانک بر اهمیت و نقش میدان فوق افزوده است. علاوه بر آن می‌توان به استقرار سازمان مسکن و اداره اوقاف و مخابرات در اول خیابان گلزار اشاره نمود که یک محدوده را به کانون اداری تبدیل نموده است و همچنین میدان رازی (انتظام) از کانون‌هایی است که ادارات در حول و حوش آن به خصوص اول بلوار میرزا کوچک خان شکل گرفته است (مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

۲- تمرکزگرایی اقتصادی - خدماتی در شهر رشت

نظارت داشته در امور مربوط به حفظ اموال عمومی دخالت می‌کردند" (همان منبع، ص ۱۶۷). بنابراین رشت به دلیل اهمیت موقعیت آن و قراردادن در سر راه اروپا به ایران و در عین حال برخورداری از صنعت ابریشم، که به گونه‌ای شکوفا در گیلان وجود داشت، مورد توجه خاص اروپاییان قرار گرفت و بازرگانان کشورهای مختلف برای انجام معاملات بازرگانی در این شهر اقامت نموده، وبا ایجاد انبارها و دفاتر تجاری به کار اشتغال ورزیدند. افزون بر ابریشم، برنج گیلان نیز از محصولاتی بود که علاقمندان زیادی مخصوصاً در کشور روسیه داشت و تبادل کالا باعث شده بود تا عده‌ای از بازرگانان رشت در لنکران، باد کوبه و حاجی طرخان دفاتر بازرگانی دایر نموده و به صدور برنج و دیگر کالاها و وارد کردن انواع پارچه، قند و شکر، مصنوعات فلزی و دیگر وسایل مورد نیاز بپردازند. این رفت و آمدها افزون بر تغییری که در وضع آبادانی این شهر به وجود آورد در مسایل فرهنگی واجتماعی شهر نیز اثر نمایی گذاشت که رویداد بزرگ نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی، ایجاد مدارس جدید، تاسیس روزنامه‌ها ونشریات فرهنگی، ایجاد کتابخانه و کتاب فروشی‌ها، داروخانه و بیمارستان‌ها و دیگر تشکیلات اجتماعی را باید از نتایج آن دانست. با توسعه فیزیکی شهراراضی کشاورزی به کاربری‌های تجاری، مسکونی و خدماتی تغییر یافته و حتی اراضی وسیعی از فعالیت کشاورزی خارج شده و به انتظار گذاشته می‌شود. بنابراین بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی و امور اداری در شهرستان رشت، به عنوان مرکز رشت، متمرکز شده است. به همین سبب نیز شهر رشت مقصد گروه مهاجرانی است که به هر علل مختلف زادگاه و محل سکونت خود را ترک می‌کنند و نرخ شهر نشینی این شهرستان را افزایش می‌دهند. در تشریح اوضاع اقتصادی شهرستان رشت سعی شده است با نگاهی گذرا به جمعیت اقتصادی و عملکرد فعالیت‌های اقتصادی نیازمندی‌ها و توانایی‌های شهرستان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع علاوه بر کانون‌های عمومی و اجتماعی شهر که نقش مؤثری در شکل‌گیری هویت شهر داشته اند، نقش اقتصادی هر شهر نیز به نوعی در تعیین هویت شهر مؤثر است. شهر رشت علاوه بر صنایع دستی که در آن رواج دارد، چون صنایع چوبی و حصیربافی، در بسیاری از تولیدات صنعتی نیز مانند کارخانه‌های پارس خزر و پارس شهاب و بسیاری صنایع تولیدی دیگر مانند کارخانجات ایران برک، چینی گیلان، سیمان، شیر منطقه‌ای، قطعات خودرو سازی ایران، چینی خزر، چینی نگین، پارس مکت، الکتریک گیلان، ایران رادیاتور، شهرت اقتصادی زیادی دارد که می‌توان آنها را به

"شهر رشت به تدریج توسعه یافت و به صورت یکی از مراکز مهم بازرگانی درآمد. در زمان شاه طهماسب دوم و نادرشاه افشار با انعقاد قراردادهای متعدد با روسیه و انگلستان و برخی کشورهای اروپایی و آسیایی کار بازرگانی و صادرات و واردات در گیلان، مخصوصاً در شهر رشت رونق بسیار گرفت" (دریاگشت، ۱۳۷۱، ص ۵۰). این شهر با موقعیت تجاری ممتاز یکی از عمده ترین انبارهای مال التجاره در ایران شد. در دوره قاجاریه با توسعه و گسترش روابط بازرگانی ایران و روسیه بر اهمیت و وسعت رشت افزوده شد. احداث جاده شوسه قزوین-رشت و ایجاد خط آهن رشت - پیربازار، در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی توسط روس‌ها و سپس احداث راه شوسه رشت-مازندران، بازرگانی بین المللی منطقه را با استفاده از بندر انزلی، بیش از پیش رونق بخشید (همان منبع، ص ۵۰). کالاهایی از قبیل ابریشم، پنبه و برنج از رشت به روسیه و برخی کشورهای اروپایی صادر می‌شد. متقابلاً کالاهایی بنادر روسیه وارد و از رشت به قزوین، زنجان، همدان، مازندران، تهران و سایر نقاط ایران حمل می‌گردد. اهالی رشت در دوره مشروطیت با بسیاری از مظاهر جدید تمدن، از جمله راه آهن، برق، تلفن، تلگراف، تاتر، مدارس جدید، روزنامه و امثال آن‌ها آشنایی یافته بودند. در این زمان تعداد جمعیت رشت را سی هزار نفر برآورد کرده بودند. با توجه به جمعیت شهر و تعداد مدارس، کاروانسراها، مساجد و کارگاهها و غیره رشت را می‌توان در این دوره بزرگترین مرکز اقتصادی و فرهنگی ساکنان کناره دریای خزر معرفی کرد (همان منبع، ص ۴۹). گذشته از گسترش فعالیت‌های بازرگانی که شامل صادرات محصولات کشاورزی منطقه به ویژه ابریشم و برنج بوده و به تبع خود کشاورزی را نیز توسعه بخشیده، فعالیت‌های صنعتی هم به موازات گسترش بازرگانی و کشاورزی تحرک بیشتری یافته بود. چند کارخانه نظیر ابریشم تاب و ابریشم بافی و برق و گونی بافی و کبریت سازی تاسیس یافته اقتصاد منطقه را متحول ساخته بودند. چون بخش عظیمی از صادرات و واردات کشور از طریق رشت و بندر انزلی انجام می‌گرفت، گاه این دو شهر به عنوان «دروازه اروپا» معرفی می‌شدند. در دوره‌های گذشته تا اواخر عهد قاجار برای شهر رشت حاکم مخصوص تعیین می‌گردد و امور شهر زیر نظر کلانتران اداره می‌شد. آن‌ها مسئولیت توزیع مالیات‌ها و سر شکن کردن عوارض بین اصناف را بر عهده داشتند. کدخدایان، که مسئول وصول مالیات‌ها در محلات هفتگانه شهر بودند زیر نظر کلانتران انجام وظیفه می‌کردند. آنها توسط مردم انتخاب می‌شدند و چون مورد اعتماد و وثوق مردم بودند برمسائل محل

عنوان عنصر هویتی شهر مطرح نمود (مهندسیین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

وضعیت تمرکز خدمات در شهرستان رشت

جدول ۱: سنجش سطح تمرکز سرجمع خدمات از منظر اشتغال در سطح شهرستان

| سال | شهرستان | سهم اشتغال سر جمع خدمات در شهرستان از استان (Y) درصد | سهم مساحت شهرستان از استان (X) درصد | X-Y | X-Y |
|------|---------|--|-------------------------------------|-------|------|
| ۱۳۹۰ | رشت | ۴۲.۴ | ۸.۷ | -۳۳.۷ | ۳۳.۷ |
| | استان | ۱۰۰ | ۱۰۰ | - | ۹۲.۵ |
| ۱۳۸۵ | رشت | ۴۲ | ۹ | -۳۳ | ۳۳ |
| | استان | ۱۰۰ | ۱۰۰ | - | ۸۶.۷ |
| ۱۳۷۵ | رشت | ۳۷.۹ | ۹.۷ | -۲۸.۲ | ۲۸.۲ |
| | استان | ۱۰۰ | ۱۰۰ | - | ۸۳.۱ |

منبع: محاسبات تحقیق بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن- مرکز آمار ایران و سالنامه آماری سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵-۱۳۹۰- معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استان گیلان.

$$۲۵ = \sum |x-y|/2 = 460 C9$$

$$۳۰۳ = \sum |x-y|/2 = 485 C$$

$$۴۱.۵ = \sum |x-y|/2 = 75 C$$

(پس از تفکیک شهرستان سياهکل در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) در تمام سال‌های مورد بررسی و در همه‌ی گروه‌های خدماتی دارای مزیت نسبی بوده‌اند. در این رابطه شهرستان رشت با ضریب توزیع (سرجمع خدمات) ۴۰.۷، ۳۰.۹، ۴۰.۹ به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در صدر قرار دارد و در مراتب بعدی شهرستان‌های بندر انزلی، لاهیجان و لنگرود قرار دارند. به عبارت دیگر شهرستان‌های مذکور سطح برتر اشتغال خدماتی استان را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین بر اساس داده‌های کامل جدول فوق، تنها در سال ۱۳۸۵ شهرستان بندر انزلی با ضریب توزیع ۳.۹ در بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات از شهرستان رشت پیشی گرفته است؛ در مورد دیگر خدمات در سال‌های مورد بررسی همواره شهرستان رشت بیش‌ترین ضریب خدمات را داشته است که این امر بیان‌گر تمرکز خدماتی در زمینه‌های مورد می‌باشد.

در جدول بعدی وضعیت جمعیت فعال اقتصادی و روند تغییرات آن در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است؛ جمعیت فعال اقتصادی که شرایط متفاوتی از سایر زمینه‌ها ندارد و بیان‌گر روندی افزایشی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ داشته است و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ کاهش بسیار مختصری را تجربه نموده است؛ که این وضعیت همان‌گونه که مشاهده گردید؛ تا حد بسیار بالایی ناشی از تمرکزگرایی در زمینه‌های دیگری منجمله: مراکز آموزش عالی، دانشجویان و اساتید، هتل‌ها و مراکز اقامتی، مراکز اداری، اقتصادی و... باشد که در موارد بسیاری جذب سکونت و استقرار دائم جمعیت را در پی داشته است. هم‌چنین با توسعه‌ی کالبدی شهر، مشاغل کشاورزی از بین رفته و افراد روستایی که اکنون بخشی از جمعیت شهر می‌باشند جذب مشاغل خدماتی رتبه پایین و غیررسمی می‌شوند. این افراد غالباً از وارد شدن روستاهایشان به

- توزیع اشتغال خدمات

ضریب توزیع DQ از تقسیم سهم درصدی فعالیت یا کارکرد هر شهرستان (Y) نسبت به سهم درصدی مساحت آن شهرستان از کل استان (X) به دست می‌آید: $DQ=Y/X$
اگر مقدار آن از ۱.۲ بیشتر باشد، معمولاً به معنی مزیت نسبی شهرستان مذکور در برخورداری از آن کارکرد است. در بررسی روند تغییرات شاخص مذکور طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵-۱۳۹۰ در شهرستان رشت که در جدول زیر آورده شده، نتایج زیر حاصل شده است:

جدول ۲: ضریب توزیع اشتغال هر یک از گروه‌های فعالیت خدماتی در شهرستان رشت در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ $(D=y/X)$

| شهرستان رشت | ۱۳۷۵ | ۱۳۸۵ | ۱۳۹۰ |
|--|------|------|------|
| سرجمع خدمات | ۴.۷ | ۳.۹ | ۴.۹ |
| عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاهای شخصی خانگی | ۴.۸ | ۴.۴ | ۴.۹ |
| هتل و رستوران | ۳.۸ | ۳.۸ | ۴.۷ |
| حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات | ۴.۳ | ۳.۶ | ۴.۴ |
| واسطه‌گری‌های مالی | ۶ | ۴.۸ | ۵.۸ |
| مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کاروکسب | ۵.۴ | ۳.۹ | ۵.۶ |
| اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی | ۴.۲ | ۳.۶ | ۴.۸ |
| اجباری | | | |
| آموزش | ۴.۴ | ۳.۲ | ۴.۶ |
| بهداشت و مددکاری اجتماعی | ۵.۳ | ۴.۴ | ۵.۷ |
| سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی | ۴.۹ | ۴.۱ | ۴.۹ |

منبع: محاسبه تحقیق بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران)

بر اساس داده‌های کامل و به تفکیک شهرستان جدول فوق؛ شهرستان‌های رشت، بندرانزلی، لنگرود و لاهیجان

۵۰ نفر به بالای شهرستان رشت از نظر توزیع، نحوه‌ی مالکیت و طبقات کارکن نشان داده شده است.

جدول ۳: مقایسه ضرایب توزیع صنایع ۱۰ نفر به بالای شهرستان رشت بر اساس تعداد کارگاه و اشتغال طی سال‌های ۷۹، ۸۹

| شهرستان | مقایسه ضرایب توزیع بر اساس تعداد کارگاه | | مقایسه ضرایب توزیع بر اساس اشتغال | |
|---------|---|------|-----------------------------------|------|
| | سال | سال | سال | سال |
| رشت | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۹ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۹ |
| | ۴،۷۹ | ۴،۱۲ | ۷،۲ | ۶،۰۵ |

منبع: سالنامه آماری استان و کشور- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان و مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۷۹

جدول ۴: تعداد کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر بر حسب نحوه مالکیت، طبقات کارکن شهرستان رشت در سال ۱۳۹۲

| منطقه | کل | | خصوصی | | عمومی | |
|-------|-----|-----------------|-------|-----------------|-------|-----------------|
| | جمع | ۱۰۰ نفر و بیشتر | جمع | ۱۰۰ نفر و بیشتر | جمع | ۱۰۰ نفر و بیشتر |
| استان | ۱۵۳ | ۸۷ | ۱۴۵ | ۸۱ | ۸ | ۲ |
| رشت | ۸۳ | ۵۶ | ۸۰ | ۵۳ | ۳ | ۰ |

منبع: سالنامه آماری استان - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان و مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۲

جدول ۵: تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر بر حسب طبقات کارکن در سال ۱۳۹۲

| منطقه | جمع | ۱۰۰ نفر و بیشتر |
|-------|--------|-----------------|
| استان | ۲۴،۲۸۷ | ۴،۵۶۲ |
| رشت | ۱۶،۰۳۲ | ۱،۹۳۱ |

منبع: سالنامه آماری استان - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان و مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۲

جدول ۶: محاسبه سطح تمرکز و ضرایب توزیع بر اساس تعداد کارگاه‌های صنعتی و میزان اشتغال ۱۰ نفر گیلان در

سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۹

| سال | استان و شهرستان | سهم درصدی مساحت شهرستان از استان (X) | تعداد فعالیت صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا در شهرستان | سهم درصدی فعالیتهای صنعتی از کل استان (Y) | =DQ $\frac{y}{x}$ | X-Y | X-Y | سهم درصدی اشتغال شهرستان | |
|----------|-----------------|--------------------------------------|--|---|-------------------|-------|-------|--------------------------|--------------------|
| | | | | | | | | اشتغال صنعتی | اشتغال شهرستان (Y) |
| سال ۱۳۷۹ | استان | ۱۰۰ | ۴۵۹ | ۱۰۰ | - | - | ۱۰۵،۵ | ۳۷۱۸۵ | ۱۰۰ |
| | شهرستان | ۹،۱ | ۲۰۰ | ۴۳،۶ | ۴،۷۹ | -۳۴،۵ | ۳۴،۵ | ۲۲۲۸۹ | ۶۰ |
| سال ۱۳۸۹ | استان | ۱۰۰ | ۵۹۴ | ۱۰۰ | - | - | ۹۲،۴ | ۲۹۸۹۲ | ۱۰۰ |
| | شهرستان | ۹،۱ | ۲۲۳ | ۳۷،۵ | ۴،۰۵ | -۲۸،۴ | ۲۸،۴ | ۱۶۴۸۳ | ۵۵،۱ |

منبع: سالنامه آماری استان - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان و مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۹ و محاسبات انجام شده

$$5/52 = 79C \quad 5/0.5\Sigma = |X - Y| = 1$$

$$/246 = 89C \quad 42/9\Sigma = |X - Y| =$$

$$5/18C = /36\Sigma = (X - Y) = 11$$

$$643/5C = 7/2.07\Sigma = |X - Y| = 1$$

نفر (۶۶ درصد) در شهرستان رشت قرار دارد که این امر نشان دهنده تمرکز شدید فعالیت‌های صنعتی در شهرستان رشت است.

از مجموع ۱۵۳ کارگاه بزرگ صنعتی (بالای ۵۰ کارکن) استان گیلان تعداد ۸۳ کارگاه (۵۴ درصد) در شهرستان رشت استقرار دارند. همچنین از مجموع ۲۴۲۸۷ نفر شاغلین کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان تعداد ۱۶۰۳۲

طبیعی آنها را با مشکلاتی مواجه می‌کند. شهرستان رشت در تاریخ ۹ آذر سال ۱۳۱۶ نخستین شهرستانی بود که در استان یکم (گیلان) ایجاد شد. اطلاعات جمعیتی این شهرستان از سال ۱۳۳۵ (اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن) تا (آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰) قابل دسترسی است. تحولات سهم جمعیت این شهر طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۰ بدین قرار است که سال ۱۳۶۵، ۲۹.۶؛ در سال ۱۳۷۵، ۳۱.۹؛ در سال ۱۳۸۵، ۳۵.۷ و در سال ۱۳۹۰، ۳۷.۰ بوده است. که این توزیع نسبی جمعیت سیر افزایشی داشته است. بنابراین شهرستان رشت به دلیل مرکز بودن استان و همچنین به دلیل برخورداری امکانات بهتر نسبت به سایر شهرستانها که موجب مهاجرپذیری این شهرستان گردیده است به همین دلیل بیشترین سهم جمعیتی را در بین شهرستانهای استان در تمام دوره‌های سرشماری داشته است با ۲۹.۶ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در سال ۱۳۶۵ شهرستان رشت با ۴۱.۷ درصد بیشترین سهم از جمعیت شهری کل استان را داشته است و توزیع نسبی جمعیت در نقاط روستایی نشان می‌دهد که شهرستان رشت با ۲۲.۴ درصد در سال ۱۳۹۰ بیشترین سهم جمعیت روستایی کل استان را داشته باشد.

به علاوه ارزش افزوده فعالیت صنعتی کارگاه‌های صنعتی دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر بر حسب طبقات کارکن شهرستان در سال ۱۳۹۲ در شهرستان رشت جمعا 12,685 میلیارد ریال؛ که ۵۸۷ میلیارد ریال بین ۵۰- ۹۹ نفر و 12,098 میلیارد نفر بین ۱۰۰ نفر و بیشتر را شامل می‌شود.

۳- تمرکزگرایی جمعیتی در شهر رشت

در بررسی و بازسازی جمعیت گیلان در محدوده‌ی امروزی آن با دو مشکل اساسی رو به رو هستیم. مشکل نخست، تعریف محدوده‌ی گیلان است که در طول دوره‌ی مرحله‌ی گذار، برآورد کنندگان جمعیت تعریف واحدی از آن در ذهن نداشتند. مشکل دوم، منابع رسمی آماری است که تا دهه‌های پایانی این مرحله وجود نداشته است. به علاوه خطای منابع برآورد کننده‌ی جمعیت نیز چندان مشخص نیست (عظیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰). به هر حال تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به دنبال خود تمرکز جمعیت را نیز سبب می‌شود. در شهرهای بزرگ به دلیل صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس تراکم سرمایه سبب گسترش سرمایه گذاری و به تبع ایجاد اشتغال و درآمد می‌گردد. تمرکز خدماتی در کلانشهر رشت ساختار اقتصادی و اجتماعی همه شهرهای گیلان را تحت تاثیر قرار داده و رشد

جدول ۹: روند سهم جمعیتی نقاط شهری روستایی در شهرستان رشت در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵

| نقاط روستایی | | | | نقاط شهری | | | |
|--------------|------|------|------|-----------|------|------|------|
| ۱۳۹۰ | ۱۳۸۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۹۰ | ۱۳۸۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۶۵ |
| ۲۲.۴ | ۲۲.۹ | ۲۱.۵ | ۲۲.۳ | ۴۶.۶ | ۴۶.۶ | ۴۳.۷ | ۴۱.۷ |

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰

جدول ۱۰: نرخ رشد نقاط شهری و روستایی شهرستان در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵

| شرح | | ۱۳۶۵-۱۳۷۵ | ۱۳۷۵-۱۳۸۵ | ۱۳۸۵-۱۳۹۰ | ۱۳۶۵-۱۳۹۰ |
|---------|---------|-----------|-----------|-----------|-----------|
| شهرستان | شهری | ۳.۴۶ | ۲.۷۷ | ۲.۹۵ | ۳.۰۸ |
| | روستایی | -۱.۲۴ | -۰.۰۶ | -۲.۸۱ | -۱.۰۹ |
| | کل | ۱.۵ | ۱.۸۳ | ۱.۳۸ | ۱.۶۱ |
| استان | شهری | ۲.۹۶ | ۲.۱۳ | ۲.۹۳ | ۲.۶۲ |
| | روستایی | -۰.۸۴ | -۰.۷۲ | -۲.۳۷ | -۱.۱۰ |
| | کل | ۰.۷۵ | ۰.۷۰ | ۰.۶۲ | ۰.۷۱ |

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰

مهاجرت از سایر شهرستانها به این شهرستان علی الخصوص شهر رشت به مرکز استان می‌باشد. همچنین مقایسه‌ی داده‌های شهرستان و استان نشان می‌دهد که در تمام دوره‌ها رشد شهری شهرستان از کل استان

بر اساس داده‌های کامل جدول فوق؛ پس از شهرستان آستارا، شهرستان رشت با ۱.۶۱ درصد رتبه‌ی دوم را در زمینه‌ی رشد جمعیت به خود اختصاص داده است. رشد مثبت شهرستان رشت، بیشتر به دلیل

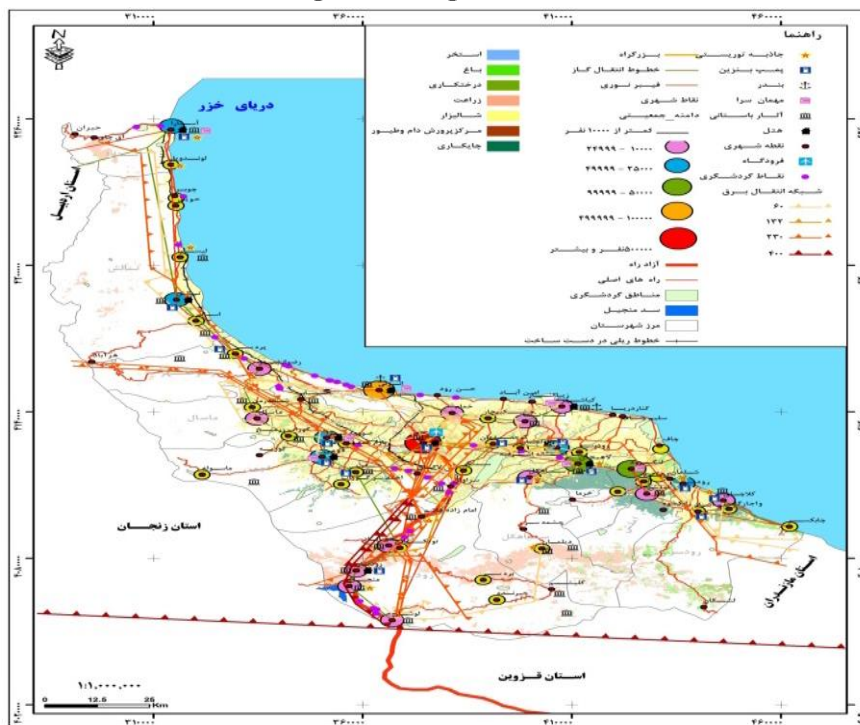
شهری بتوانند شکل بگیرند. مدیریت شهری اطمینان می‌دهد که خدمات اساسی شهر برای گروه‌ها، افراد مختلف، اجتماعات محلی و عمومی به شیوه مناسب شکل گیرد (Acioly, 2003, 1 p-2). در سوی دیگر مفهوم مدیریت یکپارچه شهری مطرح است که به دنبال ناکارآمدی مدیریت شهری سنتی در حل مشکلات شهری و فزونی چالش‌های شهری همچون فقر، ناهنجاری اجتماعی، ناامنی، ترافیک، بیکاری، حاشیه نشینی، شکاف طبقاتی و غیره به پسوند واژه مدیریت شهری جهت اهمیت دادن به ضرورت یکپارچگی اضافه شده است. این فرایند علی‌رغم گسترش دایره ارتباطات و تأثیرات در زندگی شخصی افراد در رشد و

بیشتر بوده و نرخ رشد روستایی استان نیز ضمن منفی بودن در تمام دوره‌ها هم در شهرستان و هم در استان؛ در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نرخ رشد منفی شهرستان بیش از استان بوده و تنها در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ نرخ رشد منفی استان از شهرستان بیشتر بوده است. مجموع تمرکزهای ذکر شده منجر به شکل گیری ساختار فضایی آشفته در سطح استان شده است. این امر در ناکارآمدی فضایی و سرزمینی استان نیز اثرگذار شده است به نحوی که جابجایی‌های گسترده‌ای را در سطوح نیروی انسانی، سرمایه، کالا و ... از مناطق مختلف استان به شهر رشت به دنبال دارد.

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) و کاهش تمرکز:

مدیریت شهری مجموعه‌ای از ابزارها، فعالیت‌ها، وظایف، و کارکردهایی است که اطمینان می‌دهد تا کارکردهای

نقشه ۲: وضعیت کلی سازمان فضایی استان



ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۴

موضوعی چند بعدی است، لازم است تا با مدیریتی منسجم و به دور از یکپارچگی هدایت شود. یکی از ایرادات اساسی مدیریت شهری سنتی، نظریه انتقادی پر مسئولیت بودن دولت و مدیریت شهری صرفاً دولتی است که بر این اعتقاد بود دولت‌ها به تدریج وظایف بیشتری را در زمینه اداره جامعه از جمله مدیریت عمومی بر عهده گرفته‌اند که بسیار فراتر از توانایی مالی اداری آن‌ها است. بنابراین لزوم واگذاری امور و اختیارات و توزیع آن به نهادهای سطوح پایین‌تر در قالب نهادهای محلی ضروری است؛ چرا که ادامه روند حاضر

بلوغ سازمان‌ها و ارگان‌ها و مکان‌های زیست‌تأثیر گذار بوده، هم چنین گرایش به کوچکی و فشرده شدن که از شگفتی‌های دوران کنونی است، به همین جهت در بعد کلان مساله باید گفت که امروزه سازمان‌ها و سکونت‌گاه‌ها در محیطی پر تلاطم به سر می‌برند که در گذشته کمتر چنین بوده است. بنابراین امروزه چاره‌ای جز بازنگری در ساختار و کارکردهای سازمان‌ها و نهادها و سکونت‌گاه‌ها برای انطباق بیشتر با شرایط پیرامونی وجود ندارد (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳). و از آن جایی که توسعه

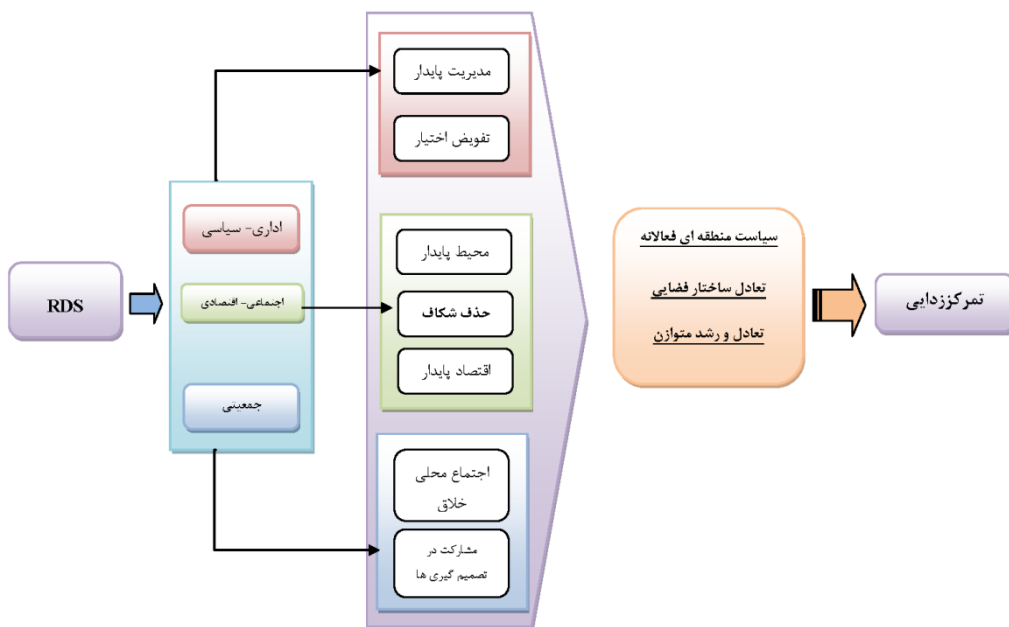
- سرازیر شدن جمعیت مهاجر از روستا به شهر رشت
 - محدودیت اسکان جمعیتی و فعالیت‌های اقتصادی به لحاظ شکنندگی محیط زیست
 - محدودیت اراضی
 - بالا بودن نرخ بیکاری آشکار و پنهان
 - حجم بالا و پراکندگی بافت روستایی و عدم تمرکز واحدهای مسکونی و بالتبع افزایش هزینه احداث شبکه‌های خدمات رسانی در شهر
 گردیده است که الگوی راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) می‌تواند با حفظ تعادل‌های منطقه ای، عدم تشدید فاصله بین شهرهای موجود، افزایش حس رقابت پذیری منطقه ای، ایجاد مناطقی پویا از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... کلان شهر رشت را در حفظ جایگاه خود کمک نماید. الگوی RDS در این زمینه با در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی موجود؛ مشارکت اجتماع‌های محلی و توجه مضاعف به زیر مناطق و توانمند سازی استعدادها بالقوه‌ی آنان جهت واگذاری برخی از مسئولیت‌های شهر یا منطقه‌ی اصلی، تقویت بخش‌های اقتصادی و مالی، جمعیت و نیروی انسانی، مدیریت منابع آب و دستیابی به بهره برداری بهینه از منابع آب، بخش منابع، صنعت، خدمات و انرژی، تقویت و بهبود زیرساخت‌ها، توسعه‌ی فضایی، رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، بهبود در وضعیت منابع بودجه، تنوع بخشیدن به منابع درآمد، و تلاش برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه کن کردن بی سوادی، ارائه فرصت‌های آموزش و پرورش برای همه و حذف شکاف آموزشی بین مناطق شهری و روستایی، حفظ و توسعه هویت فرهنگی و هنری، قانون خانواده، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی و ارث، کنترل غلظت جمعیت و... (Regional Government Ministry of Planning, Kurdistan, 2011, pp1-215). بسیار موثر عمل می‌نماید. حال از آن جایی که الگوی RDS بسیار منعطف عمل می‌کند و ابداع قطعی و الزامی دستوری صادر نمی‌کند؛ می‌توان در شرایط مختلف راهکارهای اجرایی متفاوتی را برای الگوهای آن ارائه نمود. با این توضیح حرکت و ادامه‌ی مسیر زیر مناطق و بالتبع شهرها، باید در راستای اهداف استراتژی توسعه‌ی

به دلیل تسلط سرمایه داری خصوصی، وظایف دولت‌ها را با انواع تعارض مواجه کرده و در نتیجه منجر به بروز بحران عقلانیت، بحران اقتصادی، بحران اجتماعی و نهایتاً بحران مشروعیت را سبب ساز خواهد شد (Yann, 2009, p 3). یکی از دلایل مهم چنین وضعیتی عدم توجه به نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است؛ با وجود آن که تلاش‌های پراکنده‌ای مانند تهیه برنامه‌های آمایش سرزمین یا طرح‌های منطقه‌ای برای هدایت مناطق بر اساس توانمندی‌های آن‌ها صورت می‌گیرد اما به دلیل اینکه این تلاش‌ها منسجم نبوده و فاقد یک رویکرد مشخص برای انجام فعالیت‌های مرتبط با توسعه منطقه‌ای است؛ اغلب با شکست مواجه می‌شوند. در حالی که در دنیای پیشرفته چند دهه ایست که به اهمیت مناطق در توسعه ملی و تامین عدالت و رفاه اجتماعی و اقتصادی پی برده و سعی در تدوین مبانی نظری و پایه برای توسعه‌ی متعادل و متوازن منطقه‌ای داشته‌اند (پژوهان، ۱۳۹۳، ص ۲). در ایران نیز به رقم پیشی گرفتن نظریه‌های برنامه‌ریزی بر اقدامات منطقه‌ای طرح‌های سنتی منطقه‌ای و مدافعان آن‌ها با ناکامی مواجه شده‌اند. در نتیجه شاهد مواردی به شرح زیر در مناطق جغرافیایی کشور هستیم: ۱- تشدید فاصله و عقب ماندگی کارکردی حوزه‌های روستایی از مناطق شهری ۲- افزایش استفاده نامحدود از منابع طبیعی ۳- رشد پراکنده و تخریب محیط زیست ۴- تشدید تمرکز شهری ۵- تداوم عدم تعادل‌های اقتصادی منطقه‌ای ۶- تغییرات اقلیمی و عدم تغییر در سیاست‌های مرسوم توسعه‌ی منطقه‌ای که جملگی مناطق جغرافیایی کشور را به سراشیب ناپایداری توسعه سوق داده‌اند. بخشی از این ناپایداری در تغییرات و ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی ریشه دارد. لکن بخش مهم آن با ناکارآمدی طرح‌های توسعه، بی ثباتی و بلا تکلیفی برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه‌ای مرتبط است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی با توجه به هم ریختگی نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محدود شدن آن به تهیه‌ی طرح‌های کالبدی و فاقد ساز و کارهای مشارکتی و اصلاح الگوهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورتی اجتناب ناپذیر است (محمدی، ۱۳۹۲، صص ۲-۳). به همین منوال در شهر رشت نیز تمرکزگرایی در ابعاد وسیعی؛ خود باعث بروز مشکلاتی چون:

- کیفیت نامناسب شبکه‌های زیربنایی موجود و گسترش سکونتگاه‌های غیر استاندارد،
 - محدودیت خاک جهت اراضی کشاورزی که با گسترش شهرنشینی و توسعه فیزیکی روستاها و کاربری‌های صنعتی و خدماتی تشدید
 - توسعه و گسترش فیزیکی شهرها و گسترش شهرنشینی

شهرستان رشت) مطرح شده است که جهت دستیابی به اهداف سه گانه، زمینه‌های عملیاتی شدن آن‌ها مطرح شده است بدین ترتیب که در بخش اول دستیابی به مدیریت پایدار و تفویض اختیار، در بخش دوم؛ اقتصاد پایدار، محیطی پایدار و حذف شکاف و در بخش سوم اجتماع محلی خلاق و مشارکت در تصمیم‌گیری از نمودهای تحقق اهداف مطروحه بوده اند. در نتیجه در زمینه‌ی ادارای - سیاسی منجر به سیاست منطقه‌ای فعالانه، در زمینه‌ی اجتماعی - اقتصادی منجر به تعادل ساختار فضایی و در زمینه‌ی جمعیتی باعث تعادل و رشد متوازن می‌گردد. که مجموعه فرایند فوق در صورت تحقق می‌تواند زمینه ساز تمرکز زدایی با استفاده از راهبردهای الگوی RDS گردد.

منطقه‌ای (RDS) صورت گیرد. دلیل توجه و تاکید بر راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) این است که پیوستگی و عدم تفکیک در این راهبرد باعث می‌شود تا مناطق به سان تکه‌های پازلی دیده شوند که باید به بهترین نحو در کنار هم و برای پوشش دادن نقاط ضعف هم و هم چنین برخوردار کردن مناطق در سطحی وسیع قرار گیرند؛ که شاید چنین دیدی را با نگاهی از درون و جزئی نتوان به دست آورد. جهت فراهم شدن چنین شرایطی و تسهیل در انجام آن لازم است در ابتدا شهرها از درون به طور هدفمند مورد هدایت و ساماندهی قرار گیرند. نمودار زیر مهم ترین اهداف RDS که منجر به تمرکز زدایی می‌گردد را نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود در نمودار زیر اهداف RDS در سه بخش ادارای - سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی (همانند زمینه‌های تمرکزگرایی در



فعالیت‌های شهرستان رشت، گسترش خواهد یافت، مگر این که بین شهرستان‌های استان تعادل بخشی مجددی ایجاد گردد. یکی از راهکارهای رسیدن به چنین تعادلی بهره‌گیری از الگوی نوین استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)، می‌باشد. بنابراین در این پژوهش ضمن تشریح مهم ترین نموده‌ها و مصادیق تمرکزگرایی در زمینه‌های فوق؛ جهت کاهش تمرکزگرایی در شهر رشت و جهت دادن جریان‌ها به سایر نقاط و بالتبع متعادل نمودن جریان و روابط متقابل؛ از الگوی نوین استراتژی توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)، بهره گرفته است، راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای با تفکر راهبردی، اجتماع محور و انعطاف پذیر خود در برقراری تعادل‌های منطقه‌ای بسیار موثر است چرا که در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها

نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادات: شهر رشت به عنوان تنها کلان شهر استان گیلان و ناحیه‌ی شمالی کشور شرایط مستعد و گرایش روزافزونی به تمرکزگرایی را تجربه کرده است. این تمرکزگرایی منجر به شکل‌گیری رابطه‌ای یک سویه و جهت دهی اکثر جریان‌های حیاتی و کارکردی شهرهای استان به سمت شهرستان رشت گردیده است که این امر موجب انزوای و عدم تحرک و پویایی برای سایر نقاط شهری و روستایی استان گردیده است. زمینه‌های تمرکزگرایی در شهر رشت را به طور کلی می‌توان در سه زمینه‌ی تمرکزگرایی ادارای - سیاسی، تمرکزگرایی اقتصادی - خدماتی و تمرکزگرایی جمعیتی بررسی نمود. شواهد حاکی از این است که این امر در گذر زمان با توجه به روند افزایشی کارکردها و

- و اقدامات و همکاری تمامی مناطق بهره جست و آن را به بهترین شکل ممکن سازمان دهی کرد.
- راهکار عملی اهداف فوق بدین صورت است که:
- شهر رشت به عنوان مرکز استان می‌تواند جهت پیشبرد اهداف خود و کل منطقه، از سایر مناطق از شهرهای متوسط، کوچک و میانی و سکونت گاه‌های روستایی به عنوان زیر مناطق بهره گیرد.
- با واگذاری بخشی از وظایف و اختیارات خود جهت و شدت جریان را در بین کل مجموعه‌ی شهری استان پخش نماید و همه‌ی نواحی را درگیر فرایند تامین و فراهم آوری نیازهای شهرستان و استان نماید؛ بدین ترتیب دیگر نیازی نخواهد بود اکثریت نیازهای اداری، اقتصادی استان در شهر رشت پاسخ داده شود که این امر خود موجبات سکونت و استقرار بی برنامه‌ی جمعیتی مضاعف را در شهر رشت فراهم آورد.
- شهر رشت باید نقش جذبی مازاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را به نقش توزیعی مازاد ملی و منطقه‌ای تغییر دهد تا منجر به عدم تمرکزگرایی گردد. چنین راهکارهایی نقش بسیار موثری در راستای کاهش تمرکز و حرکت به سمت تعادل بخشی خواهند داشت.
- ### منابع و مآخذ
- آسایش، حسین، (۱۳۷۵)، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، پیام نور: تهران.
- اسپندی، فتح الله، (۱۳۷۸)، *روند تمرکز در برنامه‌های توسعه‌ی کشور (بعد از انقلاب اسلامی)*، سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی.
- پارسایی مقدم، حسنا، (۱۳۹۳)، «تدوین الگوی راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) شهرستان همدان نمونه‌ی موردی: شهرستان همدان»، استاد راهنما: تقوایی، علی اکبر، دانشگاه تربیت مدرس.
- پژوهان، موسی، (۱۳۹۳)، «راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه‌ی منطقه‌ای (RNS)؛ مقدمه‌ای بر ادغام یک دستورالعمل توسعه‌ای در یک پارادایم نظری»، همایش ملی نظریه‌های نوین در معماری و شهرسازی، قزوین.
- حیدری، علی، (۱۳۹۲)، «تحلیل ابعاد کالبدی- فضایی تمرکزگرایی در نظام شهری ایران»، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۷، صفحات ۸۳-۱۰۰.
- دریادگشت، محمد رسول، (۱۳۷۱)، *گیلان نامه*، جلد سوم، رشت، نشر طاعتی
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، (۱۳۸۹)، مدیریت توسعه‌ی روستایی (بنیان‌های نظری)، سمت، تهران.
- روزبهان، محمود، (۱۳۷۹)، *مبانی توسعه اقتصادی*، انتشارات تابان، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۴، خلاصه گزارش طرح آمایش سرزمین استان سرنا، کارلا، ترجمه: سعیدی، علی اصغر، (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، تهران، نشر زوار
- شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- صرافی، مظفر؛ نجاتی، ناصر، (۱۳۹۳)، «رویکرد نو منطقه‌گرای در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه‌ی فضایی ایران»، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۴.
- ضرابی، اصغر؛ موسوی، میر نجف، (۱۳۸۸)، «بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه‌ی منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی: شهر یزد)»، *مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، شماره ۲.
- طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۷۸)، *حکومت‌های محلی و عدم تمرکز*، نشر قومس، تهران
- عظیمی دوبخشری، ناصر، (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان «نگاهی نو»*، نشر گیلکان، رشت.
- قالیباف، محمداقرا؛ عزت پناه، بختیار؛ پورموسوی، سید موسی، (۱۳۸۹)، «تمرکزگرایی فضایی و اثرات آن بر گسترش فیزیکی و ساختار فضایی شهر (مطالعه‌ی موردی: شهر سنندج)»، *فضای جغرافیایی*، سال دهم، شماره ۳۲، صفحات ۱۸۰-۱۵۱.
- کلانتری، صمد؛ گنجی، محمد، (۱۳۸۴)، «شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی در ایران»، *مجله‌ی سیاسی، اقتصادی*، شماره ۲۱۱-۲۱۲، صفحات ۱۶۱-۱۴۶.
- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (نظری‌ها و تکنیک‌ها)*، انتشارات خوشبین، تهران.
- لطیفی، غلامرضا، (۱۳۹۱)، *مبانی و اصول برنامه‌ریزی و توسعه‌ی منطقه‌ای*، نشر علم، تهران.
- مابوگونج و میسر، (۱۳۶۸)، *توسعه منطقه‌ای*، ترجمه: عباس مخبر، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- محمدی، علیرضا، (۱۳۹۲)، «راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS)»، *اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه‌ی پایدار*، تهران.
- مدیرشانه چی، محسن، (۱۳۷۹)، *تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی در ایران معاصر*، موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، (۱۳۷۲)، *تمرکززدایی گامی به سوی دموکراسی و توسعه*، جلد اول، شهرداری تهران، تهران.

in taiwan, Taiwan Environmental
management, As sociation, Taipei
International Green Productivity Association,
Taipei.pp105-115

یادداشت‌ها

¹ *New Regionalism*

² *Janeston*

³ *Fauel*

⁴ *Sub Regions*

⁵ *Centralization*

⁶ *Neil*

مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۹۰-۸۵-۷۵-۶۵-۵۵-۴۵

مومنی، مهدی، (۱۳۷۷)، *درآمدی به اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، چاپ اول، انتشارات گویا، تهران.

نیوی، مصطفی، (۱۳۵۶)، *تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی در ایران*، تهران، انتشارات خواجه.

هافتون، گراهام؛ کانسل، دیوید، (۱۳۸۷)، *منطقه، راهبردهای فضایی و توسعه‌ی پایدار*، انتشارات آذرخش، تهران.

یاسوری، مجید؛ حاتمی نژاد، حسین؛ اسدزاده، هانیه، (۱۳۹۴)، *تمرکزگرایی در تهران روندها و سیاست‌ها*، دانشگاه گیلان، رشت.

یاسوری، مجید؛ حاتمی نژاد، حسین، اسد زاده، هانیه، (۱۳۹۳)، «بررسی راهکارهای تمرکز زدایی در ایران - تهران (قبل از انقلاب اسلامی تا کنون)»، *آمایش سرزمین*، دوره ششم، شماره اول، صفحات ۵۸-۳۱.

Acioly Claudio, (2003), *The Meaning and Scope of Urban Management: an introductory note*, in Sirry, Azza 'Urban Management Practices in Secondary Cities in Egypt: the case of Belbeis', EliasModern Publishing House, Cairo, Egypt.

GaREP, spol. s r. o., *Vysoké učení technické v Brně*, (2007), *REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY-South Moravian Region*, Concise versin for general public, Published by the Department of Regional Development ,the Authority of the South Moravian Region, BRNO.

UK Department for Regional Development (DRD).(2013) *Northern Ireland Regional Development Strategy 2035*. for Northern Ireland. Department for Regional Development. Strategic Planning and Co-ordination Division. From: www.drdni.gov.uk/RDS2035. Accessed on 18 November 2013.

REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY OF ESTONIA 2005-2015,Regional Development Department of the Ministry of Internal Affairs.

Meijers E J, Burger M J, (2010), *Spatial structure and productivity in US metropolitan areas*, *Environment and Planning A* **42**(6) 1383 – 1402

Neil Adams, Neil Harris (2005). *Best practice guidelines for regional development strategies*. From: www.interreg-grids.org. Accessed on 18 November 2013.

Othman Sindi. Ali .*Regional Development Strategy for Kurdistan Region 2012-2016*, (2011) Kurdistan Regional Government Ministry of Planning

yann Chiu (2009), *Shenthe use of corporate synergy systems in promoting industrialwaste minimization in smalland medium enterprises*



Regional Development Strategy (RDS) as A Solution for Decentralization (Case Study: Rasht Metropolis)

Seyyed Mehdi Sabbagh

Department of Geography and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
smsabbagh@gmail.com

Azita Rajabi

Faculty of Islamic Azad University of Tehran, Central branch and University professor of Geography Department of Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) azitarajabi@yahoo.com

Abstract

Rasht city, as the only metropolis in Gilan province, has experienced unique conditions compared to its surrounding cities since the beginning of its formation, and has had an increasing tendency towards centralization. The formation of a one-way relationship and the direction of most of the vital and functional flows of the cities of the province towards the city of Rasht has caused isolation and immobility for other residential areas of the province, which seems to increase the scope of the city's activities. Rasht will expand further. This research has examined the areas of centralization in the city of Rasht in three areas: administrative-political centralization, economic-service centralization, and population centralization, and while explaining the most important manifestations and examples of centralization in the above fields; In order to reduce centralism in Rasht city and direct the flows to other places and consequently balance the flow and mutual relations; It has used the new model of regional development strategy (RDS), the regional development strategy with its strategic, community-oriented and flexible thinking is very effective in establishing regional balances because in this model, efforts are made to He looked for benefits, capacities, actions and cooperation of all regions and organized it in the best possible way.

Key words: Regional Development Strategy (RDS), Centralization, Gilan Province, Rasht